

دعا و درمان با کتاب و سنت

تألیف:
سعید بن علی بن وهف قحطانی

به کوشش:
فاروق رستمی تبار

این کتاب از سایت سنی بوک | کتابخانه مجازی
 اهل سنت د انلود شده است . برای دریافت کتب
 بیشتر مارا از طریق آدرس اینترنتی و کانال
 تلگرام سنی بوک دنبال کنید.

آدرس اینترنتی : www.SunniBook.net

کانال تلگرام : <https://telegram.me/OnlineLibrary>

عنوان سایت	آدرس اینترنتی
سنی بوک دریافت سریع کتب اهل سنت	www.SunniBook.net
سنت دانلود مرکز دانلود فایل های اسلامی	www.SunnatDownload.com
عقیده کتابخانه آنلاین اهل سنت	www.Aqeedeh.com
سنی آنلاین پایگاه اطلاع رسانی اهل سنت ایران	www.SunniOnline.us
سنت آنلاین دریافت آخرین اخبار و مقالات اهل سنت	www.SunnatOnline.com
سنی وب مرکز طراحی و آموزش سایت های اهل سنت	www.SunniWeb.org

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب

مقدمه ی شارح	3
مقدمه	4
فضیلت دعا	7
آداب دعا و اسباب اجابت	8
اوقات و حالتها و مکانهایی که دعا در آنها	
اجابت می گردد	9
دعاهایی از کتاب و سنت	12
اهمیت معالجه با کتاب و سنت	30
مقدمه	30
1- علاج سحر (جادو)	36
2- علاج چشم زخم	42
3- علاج و آمیختگی جنی با انسان	45
4- معالجه بی ماری های درونی	46
5- معالجه دمل و زخم	51
6- علاج و گرفتاری	51
7- درمان غصه و اندوه	53
8- درمان سختی و فشار	54
9- درمان و معالجه مریض برای خود	54
10- هر مسلمان ی که به عبادت مریض برود	55
11- معالجه: اضطراب و هراس در خواب	55
12- معالجه تب	55
13- معالجه گزیدن و نیش زدن	55
14- معالجه غضب و خشم	55
15- معالجه با سیاه دانه	56
16- معالجه با عسل	56
17- معالجه با آب زمزم	57

-
- 18- مداوا و معالجه بیماری‌های قلب 57
- بیماری‌های قلب دو نوع می‌باشد 59

مقدمه

حمد و ستایش خاص خداوند است او را سپاس می‌گوییم و از او استعانت و استغفار می‌طلبیم، و از بدی‌های درون و زشتی‌های نهان به او پناه می‌بریم. هر که را خدایش هدایت کند او را گمراه‌کننده‌ای نیست و هر که او گمراهش کند او را هدایت‌گری نیست و گواهی می‌دهم که معبود به حق جز خداوند نیست یگانه است و او را شریکی نیست و گواهی می‌دهم که محمد ص بنده‌ی و رسول اوست. درود و سلام فراوان بر او و آل و یاران او باد.

اما بعد:

این خلاصه‌ای از کتابم «الذکر والدعاء والعلاج بالرقی» می‌باشد که بخش دعای آن را مختصر نمودم، تا بهره‌گیری از آن آسان گردد و دعاها و نکته‌های سودمند به آن اضافه نمودم، و خداوند را با اسماء نیک و صفات عالیه اش فرا می‌خوانم که آن را محض رضای خود قرار دهد، و او ولی و بر آن قادر و تواناست.

درود و سلام خداوند بر پیامبر ما محمد ص

مؤلف

در ماه شعبان 1408 هـ تحریر گردید

	جامع الناس			
--	---------------	--	--	--

فضیلت دعا

﴿وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ

دَاخِرِينَ﴾ [غافر: 60]

پروردگار شما می‌گوید: «مرا به فریاد خوانید تا بپذیرم، کسانی که خود را بزرگتر از آن می‌دانند که مرا به فریاد خوانند، خوار و پست داخل دوزخ خواهند گشت»

و

﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا

بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ﴾ [البقرة: 186]

«و هنگامی که بندگانم از تو درباره من بپرسند من نزدیکم و دعای دعاکننده را هنگامی که مرا بخواند، پاسخ می‌گویم، پس آنان هم دعوت مرا بپذیرند و به من ایمان بیاورند تا آنان راه را یابند».

و پیامبر ص می‌فرماید:

«الدَّعَاءُ هُوَ الْعِبَادَةُ» ﴿وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾ [غافر: 60]

«دعا عین عبادت است» پروردگار شما فرموده است: «بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را»¹.

و در روایت دیگری می‌فرماید: «پروردگار بلندمرتبه شما زنده و والاست. هرگاه بنده اش دستانش را به سوی او دراز کند شرم می‌دارد آنها را خالی باز گردان د» و پیامبر ص می‌فرماید: «هیچ مسلمانی خداوند را فرا نمی‌خواند با

1- ابوداود، 87/2 و ترمذی، 211/5 و ابن ماجه، 1358/2، نگا: جامع الصغير، 150/2، و ابن ماجه، 324/2.

فراخوانی که در آن گناه و قطع صله رحم نباشد مگر اینکه خداوند با فراخوانی وی یکی از سه چیز را به وی عطاء نماید؛ یا اینکه در استجاب دعاى وی شتاب نماید و یا آن را برای وی در آخرت ذخیره کند، و یا اینکه بدی و شری همچون خواسته او را از وی باز دارد، صحابه گفتند: پس ما بیشتر دعا می نمایم. پیامبر ص فرمود: خداوند بیشتر است»¹.

آداب دعا و اسباب اجابت

- 1 - خلاص برای خداوند.
- 2 - دعا با حمد و ستایش خداوند آغاز گردد سپس با درود بر پیامبر ص و ختم آن با درود بر او.
- 3 - قاطعیّت در دعا و باور یقینی به اجابت آن.
- 4 - صراورزی در دعا و عدم شتاب.
- 5 - حضور قلب در دعا.
- 6 - دعا در آسایش و سختی.
- 7 - تنها از خداوند درخواست کردن.
- 8 - پایین آوردن صدا به طوری که بین پایین بودن و بالا بودن باشد. (خفض الصوت بالدعاء بین المخافتة والجهر)
- 9 - اعتراف به گناه و طلب استغفار از آن و اعتراف به نعمت و شکرگذاری بر آن.
- 10 - عدم تکلف در آوردن کلمات موزون در دعا.
- 11 - دعا کردن با خشوع و زاری و امید و ترس.
- 12 - برگرداندن اموال و دارایی غصب شده به صاحبانش همراه با توبه.
- 13 - سه بار دعا کردن.
- 14 - رو به قبله بودن.
- 15 - جلند کردن دستها در دعا.

1- ترمذی، 566/5 و 462/5 و احمد 18/3، نگاه : صحیح الجامع، 116/5، و ترمذی، 140/3.

- 16 وضوء داشتن هنگام دعا در صورت امکان آن.
- 17 عدم تجاوز و تعدی در دعا.
- 18 هرگاه دعا کننده برای دیگری دعا نمود دعا را برای خود شروع نماید.
- 19 با اسماء حسنی و صفات عالییه خداوند و یا با کردار نیکی که خود به آن پرداخته است و یا با دعای مرد زنده ای که پیش او حضور دارد به خداوند متوسل شود.
- 20 خوراک، نوشیدنی، و پوشش او از حلال باشد.
- 21 به گناه و یا قطع صله رحم دعا نکند.
- 22 - امر به معروف و نهی از منکر نماید.
- 23 دوری جستن از همه گناهان.

اوقات و حالت ها و مکان هایی که دعا در آنها اجابت می گردد¹

- 1 شب قدر
- 2 در دل شب
- 3 بعد از نمازهای فرض
- 4 میان اذان و اقامه
- 5 ساعتی از هر شب
- 6 هنگام اذان برای نمازهای فرض
- 7 هنگام باریدن باران
- 8 هنگام آماده شدن برای جهاد در راه خداوند
- 9 ساعتی از روز جمعه
- 10 - و ارجح ترین اقوال در مورد اوقات اجابت دعا، آخرین ساعت از ساعتهای عصر روز جمعه و چه بسا هنگام خطبه و نماز باشد.
- 11 - هنگام نوشیدن آب زمزم با نیت پاک
- 12 - در سجده
- 13 - هنگام بیدار شدن در شب با دعای مأثور در این مورد

1- به اصل کتاب مراجعه شود، ص 101-118.

- 14 - با داشتن وضو بخوابد سپس پاسی از شب بیدار گردد و دعا کند.
- 15 - دعا نمودن با دعای: ﴿يَا مُنَّانُ يَا مُنَّانُ يَا مُنَّانُ﴾¹
- ﴿يَا مُنَّانُ يَا مُنَّانُ يَا مُنَّانُ﴾¹
- 16 - دعا بعد از ستایش خداوند و درود بر پیامبرص در تشهد اخیر در نماز
- 17 - فراخواندن خداوند به اسم اعظم او که هرگاه به آن فراخوانده شود اجابت کند و هرگاه به آن از او درخواست شود عطا نماید.¹
- 18 - دعای مسلمان برای برادر مسلمانش در غیاب وی
- 19 - دعای روز عرفه در عرفه (مکه)
- 20 - دعا در ماه رمضان
- 21 - هنگام اجتماع مسلمانان در مجالس ذکر خداوند
- 22 - هنگام دعا کردن در مصیبت و گرفتاری با این جمله ها: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، اللَّهُمَّ أَجْزِنِي فِي مُصِيبَتِي، وَأَخْلِفْ لِي خَيْرًا مِنْهَا».
- 23 - دعا در حالت روی آوری قلب بر خداوند و فزونی یافتن اخلاص
- 24 - دعای مظلوم بر علیه آنکه به او ظلم کرده است.
- 25 - دعای پدر برای فرزند و بر علیه فرزندش
- 26 - دعای مسافر
- 27 - دعای روزه دار تا هنگامی که افطار میکند
- 28 - دعای روزه دار هنگام افطار
- 29 - دعای نیازمند

1- به اسم اعظم خداوند در حد یث شماره 94، 95 و 96 از این کتاب نگاه شود.

-
- 30 - دعای امام عادل
- 31 - دعای فرزند نیکوکار برای والدینش
- 32 - دعا بعد از وضو گرفتن با دعای مأثور
درباره وضو
- 33 - دعا بعد از رمی جمره (حج) کوچک
- 34 - دعا بعد از رمی جمره میانه
- 35 - دعا در درون کعبه و هر کسی در داخل
حجر دعا و نماز خواند آن هم جزء بیت است.
- 36 - دعا کردن بر روی کوه صفا
- 37 - دعا بر روی کوه مروه
- 38 - دعا در مشعرالحرام
- و فرد مؤمن هر کجا باشد پروردگار خویش را
فرا میخواند همچنانکه قرآن میفرماید:
- ﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ ۖ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ﴾ [البقرة :

[186]

«هرگاه بندگانم از تو در مورد من بپرسند من
نزدیکم و دعای دعاکننده را هرگاه مرا بخواند
پاسخ می‌گویم» ولیکن این اوقات و احوال و اماکن
به عنایت بیشتری متمایز گشته‌اند.

دعاهایی از کتاب و سنت

«الحمد لله وحده و الصلاة والسلام على من لا نبي بعده

﴿رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ [الأعراف: ٢٣]

﴿رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ، عَلِّمْ وَلَا تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي أَكُنْ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ [هود: ٤٧]

﴿رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ﴾ [نوح: ٢٨]
 ﴿رَبَّنَا قَبَلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ [١٣٧] رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ
 وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾ [البقرة: ١٢٧ - ١٢٨]
 ﴿رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ﴾ [٤٠] ﴿إِبْرَاهِيمَ:
 40 رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ﴾ [٤١] ﴿إِبْرَاهِيمَ:
 41

﴿رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَالْحَقِّقْ بِالصَّالِحِينَ﴾ [الشعراء: 83]

﴿وَجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ﴾ [الشعراء: 85]

﴿وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ يُبْعَثُونَ﴾ [الشعراء: ٨٧]

﴿رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ﴾ [الصفات: 100]

﴿رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنَبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ﴾ [الممتحنة: 4]

﴿رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَاعْفِرْ لَنَا رَبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ [الممتحنة: ٥]

﴿رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَلَدِي وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأُدْخِلْنِي
 بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ﴾ [النمل: ١٩]

﴿رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ﴾ [آل عمران: ٣٨]

- ﴿ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ ﴾ ﴿٨٩﴾ [الأنبياء : ٨٩]
- ﴿ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ ﴾ ﴿٨٧﴾ [الأنبياء : ٨٧]
- ﴿ قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي ﴿٥٥﴾ وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي ﴿٥٦﴾ وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي ﴿٥٧﴾ يَفْقَهُوا قَوْلِي ﴿٥٨﴾ ﴾ [طه : ٢٥ - ٢٨]
- ﴿ قَالَ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي ﴾ [القصص : ١٦]
- ﴿ رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أُنزِلَتْ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ ﴾ ﴿٥٣﴾ [آل عمران : ٥٣]
- ﴿ رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٨٥﴾ وَنَجِّنَا بِرَحْمَتِكَ مِنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿٨٦﴾ ﴾ [يونس : ٨٥ - ٨٦]
- ﴿ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿١٤٧﴾ ﴾ [آل عمران : ١٤٧]
- ﴿ رَبَّنَا إِنَّا مِنْ لَدُنْكَ رَحِمَةٌ وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا ﴿١٠﴾ ﴾ [الكهف : ١٠] (طه :
- (114)
- ﴿ وَقُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ ﴿٩٧﴾ وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ ﴿٩٨﴾ ﴾ [المؤمنون : ٩٧ - ٩٨]
- ﴿ وَقُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ ﴿١١٨﴾ ﴾ [المؤمنون : ١١٨]
- ﴿ رَبَّنَا إِنَّا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةٌ وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ﴿٢٠١﴾ ﴾ [البقرة : ٢٠١]
- ﴿ سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ ﴿٢٨٥﴾ ﴾ [البقرة : ٢٨٥]
- ﴿ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ ۖ وَاعْفُ عَنَّا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿٢٨٦﴾ ﴾ [البقرة : ٢٨٦]
- ﴿ رَبَّنَا لَا تُرِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ ﴿٨﴾ ﴾ [آل عمران : ٨]

- ﴿رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَطْلًا سُبْحَنَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾ (١١١) رَبَّنَا إِنَّكَ مَن تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْرَجْتَهُ^ط
وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ ﴿١١٢﴾ رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَنِ أَنْ ءَامِنُوا بِرَبِّكُمْ فَءَامَنَّا رَبَّنَا
فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ ﴿١١٣﴾ رَبَّنَا وَءَايِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ وَلَا
تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَمَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ ﴿١١٤﴾ [آل عمران: ١٩١ - ١٩٤]
- ﴿رَبَّنَا ءَامَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّحِيمِينَ﴾ (١١٥) [المؤمنون: ١٠٩]
- ﴿رَبَّنَا أَصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّكَ عَذَابُهَا كَانَ غَرَامًا ﴿١١٥﴾ إِنَّهَا سَاءَتْ مُسَقَّرًا وَمُقَامًا ﴿١١٦﴾﴾
[الفرقان: ٦٥ - ٦٦]
- ﴿رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا ﴿٧٤﴾﴾
[الفرقان: ٧٤]
- ﴿رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَلَدِي وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي
فِي ذُرِّيَّتِي إِنِّي بُنِيتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ﴾ (١١٥) [الأحقاف: ١٥]
- ﴿رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَنِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا رَبَّنَا
إِنَّكَ رءُوفٌ رَحِيمٌ ﴿١٠﴾﴾ [الحشر: ١٠]
- ﴿رَبَّنَا آتِنَا لَنَا نُورَنَا وَاغْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٨﴾﴾ [التحريم: ٨]
- ﴿رَبَّنَا إِنَّا ءَامَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ﴿١١﴾﴾ [آل عمران: ١٦]
- ﴿رَبَّنَا ءَامَنَّا فَكُتِبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ ﴿٨٣﴾﴾ [المائدة: ٨٣]
- ﴿رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ ءَامِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ ﴿٣٥﴾﴾ [إبراهيم: ٣٥]
- ﴿رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ ﴿٢٤﴾﴾ [القصص: ٢٤]
- ﴿قَالَ رَبِّ انصُرْنِي عَلَى الْقَوْمِ الْمُفْسِدِينَ ﴿٣٠﴾﴾ [العنكبوت: ٣٠]
- (الأعراف: 47)
- ﴿حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ﴿١٢٩﴾﴾
[التوبة: ١٢٩]

﴿عَسَىٰ رَبِّي أَن يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ﴾ (٢٢) [القصص: ٢٢]

﴿رَبِّ يَخْنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾ (٢١) [القصص: ٢١]

- 1 خدایا ! در دنیا و در آخرت به ما حسنه و نیکی عطا کن و مرا از عذاب آتش نجات ده¹.
- 2 خدایا ! به تو پناه می برم از فتنه جهنم و عذاب جهنم، فتنه قبر، و عذاب قبر، و شرّ فتنه ثروتمندی، و شرّ فتنه فقر.
- 3 خدایا ! از شرّ فتنه دجال به تو پناه می جویم، خدایا درونم را با آب برف و تگرگ شستشو ده، و همچنانکه لباس و پارچه سفید را از آلودگی پاک نموده ای درونم را نیز از خطایا پاک کن، همانطور که میان مشرق و مغرب فاصله ایجاد کرده ای میان من و خطاهایم نیز دوری و فاصله به وجود آور . خدایا ! من از کسالت و گناه و زیان به ت و پناه می برم².
- 4 خدایا من از ناتوانی و ضعف و ترسویی و پیری و بخل ورزی به تو پناه می برم و از عذاب قبر و از فتنه و امتحان زنده شدن و مردن به تو پناه می آورم³.
- 5 خدایا ! من از فشار مصیبت و رسیدن به شقاوت و بدبختی و عاقبت شری و کینه توزی دشمنان به تو پناه می آورم.
- 6 خدایا ! دینم را که سبب لغزش ناپذیری در زندگی است و دنیایم را که معیشتم در آن است اصلاح کن و آخرتم را که معادم در آن قرار گرفته است اصلاح کن، و زندگی و حیاتم

1- بخاری، 163/7 و مسلم 2070/4.

2- بخاری، 59/7 و مسلم 20774.

3- بخاری، 155/7 و مسلم 2080/4.

- را در تمام خیر و نیکی افزایش ده و مرگ را
برایم از هر شرّ و سختی دیگر آسان‌تر کن.¹
- 7 خدایا! هدایت و پرهیزگاری و عفت و بی‌نیازی
را از تو می‌طلبم.²
- 8 خدایا! از ضعف و کسالت و ترسویی و بخل ورزی
و پیری و عذاب قبر به تو پناه می‌برم،
خدایا! تقوای لازم را به نفسم عطا بخش، و
آن را تزکیه و پرورش ده تو بهترین کسی
هستی که آن را پاک و تزکیه می‌نمائی، تو
سرپرست و صاحب آن م‌ی‌باشی خدایا من از علم
بی‌سود و فایده و از قلب بی‌خشوع و از نفس
سیرناپذیر و دعای بی‌جواب به تو پناه
می‌آورم.³
- 9 خدایا! مرا هدایت و محکم کن، خدایا! هدایت
و استحکام را از تو می‌طلبم.⁴
- 10 - خدایا! از زایل شدن نعمت تو و از بین
رفتن تندرستی تو، و ناگاه گرفتن عذابت و
تمام خشم‌هایت به تو پناه می‌آورم.
- 11 - خدایا از شرّ آنچه انجام داده ام و از
شر آنچه را که انجام نداده ام به تو پناه
می‌جویم.⁵
- 12 - خدایا به مال و فرزندم فزونی بخش و
در آنچه که به من داده ای برکت قرار ده.⁶ و
حیاتم را بر طاعت خود طولانی کن و کردارم
را نیک گردان و مرا ببخشای.⁷
- 13 - نیست معبودی به حقّی جز خداوند جلیل و
بردبار هیچ معبود به حقّ جز خداوند

1- مسلم، 2087/4.

2- مسلم، 2087/4.

3- مسلم 4 / 2088

4- مسلم 4 / 2090.

5- مسلم، 2097/4.

6- بخاری، 154/7 و مسلم، 1928/4.

7- بخاری، 154/7 و مسلم، 2092/4.

- پروردگار عرش عظیم نیست هیچ معبودی جز خداوند پروردگار آسمانها و پروردگار زمین و پروردگار عرش بلندمرتبه نیست.¹
- 14 - خدایا رحمت تو را می‌خواهم لحظه ای مرا به نفسم واگذار مکن و تمام حالاتم را اصلاح کن معبود به حقی جز تو نیست.
- 15 - هیچ معبود به حقی جز تو نیست پاک و منزهی من از ستم‌کنندگان.
- 16 - خدایا! من بنده تو و پسر بنده تو و پسر کنیز تو می‌باشم. تحت سلطه و قدرت تو می‌باشم. حکم تو در مورد من قطعی است، و قضاوتت درباره ام عادلانه است و تو را با هر نامی که خود را به آن خوانده ای و یا در کتاب خود نازل فرموده ای یا آن را به هر کسی از مخلوق خود یاد داده ای و یا هر نامی که در علم غیب برای خود اختصاص داده ای درخواست و طلب می‌نمایم اینکه قرآن را بهار درون و نور سینه ام و بیرون راندن اندوه و بردن رنج و غصه ام قرار دهی.²
- 17 - خدایا! ای دگرگون کننده دلها! قلبهای ما را بر طاعت خود دگرگون فرما.³
- 18 - ای دگرگون کننده دلها! قلبم را بر دینت استوار نما.⁴
- 19 - پروردگارا! تندرستی در دنیا و آخرت را از تو می‌خواهم.
- 20 - خدایا! فرجام تمام کارهایمان را نیک گردان، و از خواری دنیا و عذاب آخرت م دور بدار.

1- ابوداود، 224/4، و احمد، 431، و البانی آن را حسن دانسته است.

2- احمد، 391/1، 452 و حاکم، 509/1.

3- مسلم، 2045/4.

4- ترمذی، 538/5 و احمد، 182/4 و حاکم، 525/1 و 528 و صحیح الجامع، 309/6، و ترمذی، 171/3.

- 21- پروردگار من، مرا یاری نما و بر علیه من یاری و کمک نفرما و مرا پیروز گردان و بر من پیروز مگردان، برای من چاره کن و بر علیه من حيله نکن. و مرا هدایت ده و هدایت را به سوی من هموار کن، و مرا بر آن که بر من تجاوز کرده است پیروز گردان و پروردگارا مرا برای خود بسی شکرگزار و بسی ذاکر و بسی ترسان و بسی اطاعتکننده قرار ده، و به سوی تو فروتن و نالان و رجوع کننده باشم، پروردگار من !
توبه ام را بپذیر، لغزش و گناهم را بشوی، و دعایم را اجابت کن، و حجتم را استوار و محکم نما، و قلبم را هدایت کن، زبانم را هدایت کن، دوده و کینه درونم را بیرون بیا¹
- 22- خدایا ! ما از خیر آنچه که پیامبرت محمد ص از تو خواسته است درخواست می‌نمائیم، از شر آنچه که پیامبرت محمد ص به تو پناه جسته است پناه می‌جوییم، و تو کسی هستی که از تو استعانت می‌کنند، هیچ قدرتی بالاتر از قدرت خدا نیست.
- 23- خدایا ! از شر گوش، چشم، زبان، قلب، خواسته و سرنوشتم به تو پناه می‌برم.
- 24- خدایا ! از دچار شدن به بیماری برص (پیشی) و دیوانگی و جذام (خوره) و از بیماری‌های پلید به تو پناه می‌برم.
- 25- خدایا ! از اخلاق و کردار و آرزوهای ناپسند به تو پناه می‌جویم.
- 26- خدایا ! بی‌گمان تو بسی بخشنده و بلندمرتبه‌ای عفو و بخشش را دوست می‌داری پس مرا عفو کن.²

1- ابوداود، 83/2 و ترمذی، 554/5 و ابن ماجه، 1259/2، و حاکم آن را صحیح دانسته و ذهبی نیز با آن موافق بوده و به صحیح الترمذی، 178/3 مراجعه شود و احمد، 127./1.

2- ترمذی، 534/5، تحقیق ابراهیم عطوه، چاپخانه مصطفی الیابی.

27 - خدایا! انجام نیکی‌ها و ترک ناروایی‌ها و دوستی بینوایان را از تو در خواست می‌نمایم. و از تو می‌خواهم که مرا ببخشید و به من رحم نمائید و هرگاه اراده عذاب و ضلالت قومی را نمودی مرا بدون عذاب و محنت بمیران، عشق و علاقه به تو و حب آنکه تو را دوست می‌دارد و عشق به کرداری که مرا به سوی دوستی تو نزدیک گرداند از تو خواستارم.¹

28 - خدایا! تمام خیر دنیا و آخرت آنچه را از آن آگاهم و آنچه را که از آن آگاه نیستم از تو خواهانم. و از شر دنیا و آخرت و آنچه که از آن آگاهی یافته و یا آگاهی نیافته‌ام به تو پناه می‌برم، خدایا! از خیر آنچه بنده و پیامبرت محمد ص از تو جسته است را خواهانم، و از شر آنچه که پیامبرت محمد ص از آن به تو پناه جسته است، پناه می‌آورم.

خدایا! بهشت و گفتار و کردارهایی که بدان «مرا به تو» نزدیک میکند را خواستارم و از آتش و گفتار و کرداری که بدان «مرا به جهنم» نزدیک می‌نماید به تو پناه می‌برم، و از تو تقدیر و سرنوشت خیر و نیکی را خواهانم.²

29 - خدایا! در حالت ایستاده و نشسته و خوابیده مرا با اسلام حفظ نما و دشمن و حسود را به من شاد و مسرور نگردان، خدایا! تمام خیرها را که خزانه آن در دست توست از تو می‌طلبم و از شرهایی که خزائن آن در دست توست پناه می‌برم.³

1- احمد، 243/5 و ترمذی، 365/5.

2- ابن ماجه، 1264/2 و احمد، 134/6، ذهبی، 521/1، ابن ماجه، 327/2.

3- حاکم، 525/1، صحیح الجامع، 398/2 و الاحادیث الصحیحه، 54/4، شماره 1540.

30 - خدایا! از حیث خود آنچه که ما را از گناه و معاصی تو باز می گرداند و از یقین آنچه که با آن گرفتاریهای دنیا بر ما سبک آید، و از طاعت آنچه که ما را به بهشت ت و نایل گرداند نصیبمان فرما، خدایا! تا وقتی که ما را زنده نگه داشته ای ما را از گوش و چشم و توانایی هایمان برخوردار کن، انتقام ما را بر کسی که به ما ستم نموده قرار ده و ما را بر کسی که با ما عداوت و دشمنی نموده و گرفتاریمان را در دینمان قرار نده، دنیا را بز رگترین هدف و دغدغه ی ما قرار نده . کسی را که به ما رحم نمی کند بر ما مسلط مگردان.¹

31 - خداوندا! از ترسویی به تو پناه می برم و از بخل به تو پناه می برم و از پیری به تو پناه می جویم و از فتنه دنیا و عذاب قبر به تو پناه می برم .² خدایا! گناه عمدی، نادانی و زیاده روی در گناه و آنچه که تو از من به آن آگاه تری مورد بخشش قرار ده . خداوندا! گناهی را که با شوخی و جدی و اشتباهی و عمدی از من سر زده است و تمام گناهانی که دارم برای من ببخشای.³

32 - خدایا! ظلم و ستم فراوانی به خود کرده ام جز تو کسی گناهان را نمی بخشد از مغفرت خود مرا مورد بخشش قرار ده و به من رحم کن . بی گمان تو بسی بخشنده و مهربان هستی.⁴

33 - خدایا! برای تو سر تسلیم فرود آوردم، و به تو ایمان آوردم، و بر تو توکل نمودم و به سوی تو برگشتم و به تو اقامه دعوی

1- ترمذی، 528/5، حاکم، 258/1، ابن سنی، شماره 446.

2- بخاری، با فتح الباری، 181/11.

3- بخاری، با فتح الباری، 196/11.

4- بخاری، 304/1، و مسلم، 2078/4.

- نموده ام، خدایا ! از اینکه مرا گمراه گردانی پناه می‌برم قسم به عظم‌ت هیچ معبود به حق نیست جز تو، تو زنده ای هستی که نمی‌میرد و جن و انس می‌میرند.
- 34 - خدایا ! ما موجبات رحمتت را و اراده غفرانت و دوری و سلامت از هر گناهی و بهره بردن از هر نیکی و دستیابی به بهشت و نجات از آتش جهنم را از تو طلب می‌کنیم.¹
- 35 - خدایا ! فراوان‌ترین روزی ات را هنگام پیری و خاتمه‌یافتن عمرم بر من قرار ده.²
- 36 - خدایا ! گناهم را ببخش، و سرایم را وسعت بخش، و در روزیم برکت قرار ده.³
- 37 - خدایا ! از فضل و رحمتت از تو می‌طلبم جز تو کسی بر آن مالک نیست.
- 38 - خدایا ! از لغزیدن و هلاک شدن و غرق شدن و سوزاندن به تو پناه می‌آورم، و از اینکه شیطان هنگام مرگ سرگردانم کند به تو پناه می‌آورم و از اینکه در راه تو با حالت پشت‌کننده و برگرداننده بمیرم به تو پناه می‌آورم و از اینکه هنگام مرگ با حالت رنجانده و گزیده بمیرم به تو پناه می‌جویم.
- 39 - خدایا ! از گرسنگی به تو پناه می‌آورم، بی‌شک او هم‌بستر ناشایست و بدی است و از خیانت به تو پناه می‌آورم همانا آن جامه بدی است.
- 40 - خدایا ! از درماندگی، کاهلی، ترسویی، خست، کهولت، قساوت و سنگدلی، غفلت، تنگدستی، خواری، بینوایی، به تو پناه می‌جویم و از فقر، کفر، هرزگی، تفرقه، نفاق،

1- حاکم، 525/1، اذکار نووی، ص 340.

2- حاکم، 524/1، صحیح الجامع 3691/1، الاحادیث الصحیح 1539.

3- احمد، 375/5963/4، نگا: صحیح الجامع، 399/1.

بی‌آبرویی و ریا به تو پناه می‌آورم، و از کوری، لالی، دیوانگی، جذام، پیسی و بیماری‌های بدخیم به تو پناه می‌آورم.¹

- 41 - خدایا! از فقر، تنگدستی، و خواری به تو پناه می‌آورم و از اینکه ستم کنم و یا مورد ستم قرار گیرم به تو پناه می‌آورم.²
- 42 - خدایا! از همسایه‌ی بد در سرای جاویدان به تو پناه می‌برم، بی‌گمان هم‌سایه‌ی صحرا (دنیا) به پایان می‌رسد.³
- 43 - خدایا! از قلب بی‌خشوع و از علم بی‌ثمر و از دعا‌های بی‌جواب و از نفس سیرنشدنی به تو پناه می‌جویم، از این چهار شیء به تو پناه می‌جویم.
- 44 - خدایا! من به تو از روز بد، شب بد، ساعت (وقت) بد، رفیق سوء، همسایه‌ی ناشایست در سرای باقی و جاویدان به تو پناه می‌برم.
- 45 - خدایا! جنت را از تو می‌طلبم و از آتش جهنم به تو پناه می‌آورم. (3 بار)
- 46 - خدایا! در دین آگاهم کن.⁴
- 47 - خدایا! از اینکه آگاهانه به تو شرک بورزم به تو پناه می‌آورم و از آنچه هم که ناآگاهانه باشد به تو پناه می‌آورم.⁵

1- حاکم، بیهقی، و صحیح الجامع (406/1) و ارواء القلیل شماره 852.

2- نسائی و ابوداود 91/2 و نگا: صحیح النسائی 1111/3 و صحیح الجامع 407/1.

3- حاکم 532/1 و ذهبی آن را صحیح دانسته است، صحیح الجامع 408/1 و صحیح النسائی 1118/3.

4- طبرانی و هیثمی در مجموع زوائد، 144/10 گفته است رجال این حدیث رجال صحیح اند. نگا: صحیح الجامع، 411/1.

5- به روایت احمد، 403/4 و غیره، نگاه: صحیح الترغیب و الترہیب، ناصر الدین آلبانی، 19/1.

- 48 - خدایا! به آنچه که به من یاد داده ای
نفع برسانم، و آنچه به من سودی رساند مرا
بیاموز، و علم مرا بيفزای.
- 49 - خدایا! من از تو علم سودمند، روزی
حلال و عمل پذیرفته شده مسألت می‌نمایم.
- 50 - خدایا! ای یگانه یکتا! بی‌نیازی که
نزاده است و زاده نشده است و کسی هم‌تا
و هم‌گون او نمی‌باشد از تو می‌خواهم که
گناهانم را ببخشایی، بیگمان تو بسی بخشنده
و مهربان هستی.
- 51 - خدایا! از تو می‌خواهم که حمد و سپاس
خاص توست، هیچ معبود بحق جز تو نیست
[تنهائی و تو را شریکی نیست]، ای صاحب
شکوه و کرامت! ای زنده باقی پایدار! من از
تو بهشت را می‌طلبم و از آتش جهنم به تو
پناه می‌برم.
- 52 - خدایا! از تو درخواست می‌کنم به اینکه
من گواهی می‌دهم که تو خدایی، معبود به حق
جز تو نیست. یگانه و بی‌نیازی که زاده است
و زاده نشده است و کسی هم‌تا و هم‌گون او
نمی‌باشد.
- 53 - پروردگارا! مرا ببخش، و توبه ام را
بپذیر، بی‌گمان تو بسی توبه پذیر و بسی
بخشنده‌ای.¹
- 54 - خداوندا! با علم غیب خود و قدرتت بر
خلق، تا وقتی که می‌دانی که حیات برای من
خیر است زنده ام نگه دار و هرگاه دانستی،
مرگ برایم خیر است مرا بمیران، خداوندا!
ترس و خشیت تو را در نهان و آشکار مسألت
می‌کنم و در حال غضب و شادی رعایت گفتن حق
را از تو طلب می‌نمایم و میانه روی در

1- ابو داود، 79/2 و ترمذی، 515/5 و ابن ماجه، 1267/2 و احمد، 360/5 - و سنن الترمذی 163/3.

بی‌نیازی و تهیدستی از تو می‌خواهم و از تو نعمتی می‌خواهم که تمام شدنی نباشد، و از تو لذتی می‌خواهم که بی‌وقفه و پیوسته باشد، و بعد از آمدن گرفتاری رضایت را از تو می‌طلبم، خدایا بعد از مرگ، آرامش زندگی را از تو می‌خواهم، خدایا! لذت نگاه به وجه و سیمایت و شوق لقای تو را بدون اینکه در فلاکت زیربنایی و فتنه گمراه‌کننده ای بیفتم از تو خواهانم، خدایا! مرا به زینت و زیبایی ایمان آراسته گردان، و ما را جزء راهنمایان هدایت یافته قرار ده.¹

55 - خدایا! دوستی و حبّ خود و حبّ کسی که دوستی او نزد تو به من سود رساند نصیبم کن، خداوندا! از دوستی‌هایی که به من ارزانی داشته ای آن را برای من سبب قوّت بخشیدن به آنچه که تو دوست می‌داری قرار ده، خدایا! آنچه را که من دوست می‌دارم و آن را از من پنهان و مخفی داشته ای آن را در تکمیلِ حبّ آنچه که دوست می‌داری برای من قرار ده.²

56 - خدایا! از گناه و خطاها پاکم گردان، خدایا! از آنها پاکم کن همچنانکه جامه سفید از چرک پاک می‌گردد، خدایا! با برف و تگرگ و آب خنک پاکم گردان.³

57 خدایا! از بخل ورزیدن و ترسویی و عمر بد، و فتنه قلب و عذاب قبر به تو پناه می‌برم.⁴

1- النسائی، 54/3، 55 و احمد 364/4، صحیح النسائی، 280/1 و 281/1.

2- ترمذی، 523/5 و جامع الاصول، تحقیق : عبدالقادر أرناؤوط 341/4.

3- نسائی، 198/1 و 199، و ترمذی، 515/5، صحیح سنن النسائی 86/1.

4- نسائی، 255/8 و ابوداود، 9/2، جامع الاصول 363/4.

- 58 خدایا ! ای پروردگار جبرئیل و می کائیل و پروردگار اسرافیل ! از گرمای سوزان جهنم و از عذاب قبر به تو پناه می‌آورم.¹
- 59 خدایا ! طریق هدایتم را به من نشان ده، و از شر نفسم پناهم ده.
- 60 خدایا ! علم سودمند را از تو درخواست می‌نمایم و از علم بی‌سود و ثمر به تو پناه می‌برم.
- 61 خدایا ! ای پروردگار آسمانهای [هفتگانه] و پروردگار زمین و عرش والا ! پروردگار ما و پروردگار تمام اشیاء، شکافنده و رویاننده دانه و هسته و فرودآورنده تورات و انجیل و قرآن؛ از شرّ هر چیزی که در پنجه قدرت توست به تو پناه می‌آورم، خدایا ! ای نخستین هستی که قبل از تو چیزی نبوده است و ای واپسین هستی که بعد از تو چیزی نیست و تو نمایانی هستی که چیزی تو را نمی پوشاند و نهانی هستی که نهان تر از تو چیزی نیست؛ دَین و بدهی را از ما ادا کن و ما را از فقر بی‌نیاز گردان.²
- 62 خدایا ! میان دل‌هایمان الفت به وجود بیاور و اختلاف و ناسازگاری‌هایمان را اصلاح کن، و به راههای صلح و دوستی هدایت و راهنماییمان فرما، و از تاریکی‌ها به طرف نور و روشنایی نجاتمان ده . خدایا ! ناهنجاریهای آشکار و پوشیده را از ما دور گردان و به شنیداری و بینایی و درون‌ها و همسرانمان و نسل‌هایمان برکت عنایت فرما و توبه را از ما بپذیر، بی شک تو بس ی توبه‌پذیر و مهربان هستی، ما را سپاسگزار

1- نسائی، 278/8 و صحیح نسائی 1121/3.

2- مسلم، 2084/4 به روایت ابوهریره ت.

نعمتهایت و ثناگویت و پذیرنده نعمتهایت
 قرار ده و آن‌ها را بر ما به اتمام رسان.¹
 63 خدایا بهترین درخواست و بهترین دعا و
 بهترین موفقیت، بهترین عمل، بهترین ثواب،
 بهترین حیات و بهترین مرگ را از تو
 درخواست می‌نمایم، و مرا ا ستوار گردان،
 ترازوی نیکی‌هایم را سنگین گردان و ایمانم
 را ثابت گردان و درجاتم را رفیع گردان و
 دعا و نمازم را بپذیر و خطایم را ببخش و
 درجات عالیّه بهشت را از تو درخواست
 می‌نمایم. خدایا! آغازهای خیر و خاتمه‌های
 آن و اول و آشکار و پنهان آن را و درجات
 عالیّه بهشت را از تو درخواست می‌نمایم
 [بپذیر و اجابت نمای خداوندا خدایا!
 بهترین آنچه که می‌آورم و بهترین آنچه که
 انجام می‌دهم و به آن می‌پردازم و بهترین
 آنچه که پنهان و نمایان است و درجات بلند
 بهشت را از تو درخواست می‌نمایم (آمین)
 اجابت کن ای خداوند.

خدایا! از تو می‌خواهم که نامم را رفیع
 گردانی و بار سنگین گناهم را فرو نهی، و
 حالم را نیک گردانی و درونم را پاک نمایی و
 دامنم را از آلودگی حفظ کنی و قلبم را منور
 گردانی و گناهم را ببخشی، و درجات بلند
 بهشت را از تو درخواست می‌نمایم و خدایا! از
 تو می‌خواهم که به درون و شنوایی و بینایی و
 روح و خلق و اخلاق و اهل و حیات و مرگ و
 کردارم برکت بیفزایی و حسناتم را پذیرا باشی
 و درجات رفیع بهشت را از تو مسألت می‌نمایم.²

1- به روایت حاکم و گفته صحیح است بر شرط مسلم و ذهبی
 با او موافق گشته است، 265/1.

2- حاکم آن را تخریج نموده و ذهبی آن را صحیح دانسته
 است، 520/1.

64 خدایا! اخلاق‌های ناروا و هواهای نفسانی و کردارهای نفسانی و ناخوشی‌ها را از من دور بدار.¹

65 خدایا! به آنچه که به من عطاء و ارزانی داشته‌ای قانعم کن و در آن برکت بیفزای و هر چه را از دست داده‌ام جایگزین آن، خیر نصیبم فرما.²

66 خدایا! مرا آسان مورد محاسبه قرار ده.

67 خدایا! ما را بر ذکر و شکر و حُسن عبادت یاری نما.

68 خدایا! ایمانی غیر قابل برگشت و نعمتی تمام نشدنی و هم نشینی با محمد ص را در رفیع‌ترین باغهای بهشت جاویدان را از تو مسألت می‌نمایم.

69 خدایا از شرارت نفس حفظم نما. و خدایا! گناهی را که آشکارا و یا سَرّی و یا عمدی و یا اشتباهی و یا آگاهانه و یا ناآگاهانه انجام داده‌ام مورد عفو و بخشش قرار ده.

70 خدایا! از غلبه قرض و دشمن و نیرنگ دشمن به تو پناه می‌برم.

71 خدایا! مرا ببخش و هدایتم نما و از من درگذر، خدایا! از تنگی جایگاه در روز قیامت به تو پناه می‌برم.³

72 خدایا از شنوایی و بینائی بهره‌مندم کن. و بر کسی که به من ستم می‌نماید پیروزم گردان و انتقامم را از او بگیر.⁴

1- با تخریج حاکم و قائل به صحیح بودن است.

2- حاکم، و قائل به صحت آن می‌باشد بر شرط مسلم و ذهبی با آن موافق است، 532/1.

3- نسائی، 209/3، و ابن ماجه، 431/1، صحیح سنن النسائی، 356/1 و صحیح ابن ماجه، 226/1.

4- ترمذی تخریج نموده است. نگاه صحیح ترمذی، 188/3 و حاکم تخریج نموده.

- 73 خدایا ! زندگی پاکی را ا ز تو درخواست می‌نمایم .
- 74 خدایا ! همه ستایش خاص توست، خدایا ! آنچه را که تو گسترده ای، جمع‌کننده ای برای آن نیست و آنچه را که تو درهم کشیده ای، گسترنده ای برای آن نیست، آنکه را که تو گمراه کرده باشی برای وی هدایتگری نیست و آنکه را تو هدایت کرده باشید برای وی گمراه‌کننده ای نیست و آنچه را که تو منع کرده باشی عطاکننده ای برای آن نیست و آنچه را که تو عطا نموده باشی، منع کننده ای برای آن نیست و برای آنچه را که تو دور نموده ای نزدیک‌کننده ای نیست و برای آنچه که تو نزدیک نموده ای دور کننده ای نیست و از برکات و رحمت و فضل و روزیات بر ما گسترده گردان، خدایا ! من نعمت پابرجا که دگرگون و زایل نگردد از تو درخواست می‌نمایم، خدایا ! در روز تنگدستی، نعمت و در روز خوف و هراس، امنیت را از تو درخواست می‌کنم، خداوندا ! از آنچه که به ما عطا نموده ای و از شر آنچه که ما را از آن منع نموده ای به تو پناه می‌برم و خدایا ! ایمان را نزد ما محبوب و دل‌هایمان مزین و آراسته گردان و کفر و بدی و سرکشی را نزد ما کریه و زشت گردان و ما را از راه‌یافتگان قرار ده و ما را با مسلمانی زنده گردان و بدون خواری و گرفتاری مرا به نیکوکاران ملحق نما، خدایا ! کافرانی را که پیامبران تو را تکذیب می‌نمایند و از راه تو جلوگیری ممانعت می‌نمایند از بین ببر و خشم و عذاب خود را بر آن قرار ده، خدایا ! کافرانی که

- کتاب (اهل کتاب) دریافت نموده اند نابود و از بین ببر، ای معبود بحق.¹
- 75 خدایا! مرا مورد بخشش قرار بده، و به من رحم کن، و هدایتم ده و تندرستم گردان و روزی ام ده.²
- 76 خدایا! بر ما بیفزا و از ما کاهش نده، و مرا اکرام ده و مرا مورد اهانت قرار نده به ما عطا نما و ما را محروم ننما و ما را ترجیح و برتری ده و بر ما ترجیح نده، و ما را راضی کن و از ما رضایت حاصل نما.³
- 77 خدایا! استوارم گردان و مرا هدایت‌دهنده و هدایت‌یافته گردان.⁴
- 78 خدایا! حکمتی را که به هر کس داده شود، خیر فراوانی به او داده شده است، به من عطا نما.

اللهم صلّ وسلّم على نبينا محمد وعلى آله وأصحابه أجمعين و من تبعهم بإحسان إلى يوم الدين

1- احمد، 424/3.

2- مسلم، 2072/4-2073، 2078/45.

3- ترمذی، 326/5، شماره 3173. حاکم، 98/2، نگاه : جامع‌الاصول، 282/11، شماره 8847.

4- تخریج امام احمد، 68/6، 155، 4031، آل‌بانی در أرواء الغلیل آن را صحیح به حساب آورده است (155/1 شماره 74).

اهمیت معالجه با کتاب و سنت

مقدمه

تمام ستایش ها مختص ذات خداوند است، او را ثنا می گوئیم، و از او یاری می جوئیم و از او طلب مغفرت و بخشش می نماییم، و از شرارتها و بدیهای درون و زشتیهای کردارمان به خداوند پناه می بریم هر که را خدایش هدایت نماید او را گمراه کننده ای نیست و هر که را خدا گمراهش نماید او را هدایتگری نیست، و گواهی می دهم که معبود بحق جز خداوند نیست، یگانه است و او را شریکی نیست، و گواهی می دهم که محمد بنده و فرستاده اوست، درود و تحیت خداوند بر او و آل و یاران او و پیروان راستین او تا روز قیامت. بی گمان معالجه با قرآن و دعا و تعویذهایی که از پیامبرص ثبت و ضبط گردیده است، معالجه سودمند و بهبودی تمام و کاملی است.

﴿هُوَ الَّذِي آمَنُوا هُدًى وَشَفَاءً﴾ [فصلت: ۴۴]

«بگو قرآن برای مؤمنان مایه راهنمایی و

بهبودی است».

﴿وَنُزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شَفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾ [الإسراء: ۸۲]

«ما آیاتی از قرآن فرو می فرستیم که مایه شفاء

و رحمت مؤمنان است».

و حرف (مِنْ) در اینجا برای تبیین جنس است یعنی اینکه تمام قرآن همچنانکه در آیه ذکر گردید دارای بهبودی و راهنمایی است، و در آیه ای دیگری می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَشَفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾

[یونس: ۵۷]

«ای مردمان از سوی پروردگارتان برای شما اندرزی و درمانی برای چ یزهایی که در سینه هاست آمده است».

پس قرآن مایه بهبودی تمام بیماری های روحی و جسمی و دنیوی و اخروی است، هر فردی با داشتن اهلیت و صلاحیت لازم در به بودیابی و شفاجستن به قرآن به موفقیت نایل می‌گردد، و هرگاه بیمار با روش نیک و از روی صدق و باور و اعتقاد جازم و با رعایت شروط آن به قرآن بیماری خویش را مداوا و معالجه نماید، هرگز بیماری با وی روبرویی نخواهد کرد چگونه بیماری می تواند با سخن خدا درآفتد که اگر ر آن را بر کوهها فرو می‌فرستاد آن‌ها را تکه تکه و متلاشی می‌نمود، هر کسی خداوند، فهم قرآن را به وی ارزانی داشته باشد تمام بیماری های درونی و بیرونی و علت و درمان آن‌ها و پیشگیری از آن را در قرآن می‌یابد، خداوند در قرآن بیماری ها و راه درمان دلها و جسم‌ها را ذکر نموده است.

بیماری قلب دو دسته می باشند؛ دسته ای بیماری تردید و سوءظن است، و دسته دیگر بیماری شهوت و لغزش است.

و قرآن در جاهای متعددی به بیان بیماری درونی و سبب و راه چاره آن‌ها می‌پردازد:¹

﴿أَوَلَمْ يَكْفِهِمْ أَنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَرَحْمَةً وَذِكْرَىٰ

لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾ [العنكبوت: ۵۱]

«آیا همین اندازه برای آنان کافی و بسنده نیست که ما این کتاب را بر تو نازل کرده ایم و پیوسته بر آنان خوانده می شود مسلماً در این، رحمت بزرگی و تذکر سترگی است».

امام ابن قیم (الجوزیه) می‌گوید: کسی که قرآن او را شفا ننموده باشد خداوند وی را شفا و به‌بود نبخشد و هر که قرآن او را کفایت و بسنده نکند خداوند نیز وی را کفایت و بسنده نکند.¹ و اما بیماری‌های جسمی: خداوند به ریشه‌های درمان آن‌ها و منشأ ایجاد و قواعد آن در قرآن کریم اشاره نموده است، به طوری که قرآن اساس و شالوده‌ی آن را به سه دسته تقسیم کرده است:

1 حفظ تندرستی و سلامت

2 پیشگیری و مبارزه با عوامل بیماری‌زا

3 -استفراغ و تهی نمودن مواد فاسد بیماری‌زا، و چنانچه فرد با روش درست و مناسب با قرآن تداوی نماید بلافاصله اثر بهبودی آن را می‌بیند.

امام ابن قیم در کتاب «زادالمعاد» می‌گوید: مدتی در مکه مریض بودم و طبیب و دارویی جهت مداوا نیافتم، خودم را با سوره حمد معالجه می‌کردم و تأثیر شگفت آن را روی خود می‌دیدم، مقداری از آب زمزم بر می‌داشتم و چند بار سوره حمد را بر آن می‌خواندم سپس آن را می‌نوشیدم و با آن بهبودی کامل می‌یافتم و بعد از آن در برابر بسیاری دردها از آن استفاده می‌بردم و برای کسانی که از درد و رنج می‌بردند توصیه می‌نمودم و بسیاری از آنان به سرعت رو به بهبودی می‌رفتند.²

و همچنین معالجه با تفویض و دعا‌های نبوی مفیدترین داروها می‌باشند و دعا به شرطی که از موانع بدور باشد سودمندترین ابزار در رفع گرفتاری و حصول خواسته انسان است و مفیدترین دارو می‌باشد مخصوصاً اگر همراه با التماس و استدعا باشد و دعا دشمن مصیبت و بلاست و آن را دفع نموده و از فرود آمدن آن ممانعت به عمل

1- زادالمعاد، 4/352.

2- زادالمعاد، 4/178 و الجواب الکافی، ص 21.

می آورد و یا اگر هم فرود آید آن را تخفیف و آسان گرداند¹. و از ترمذی و حاکم روایت شده است که پیامبر ص فرموده است: «دعا از چیزی که فرود آمده است و از آنچه نازل نگشته است سود و فایده می‌رساند پس دعا کردن بر شما لازم و ضروری است»².

و باز می‌فرماید: «قضا را جز دعا باز نگرداند و جز نیکی کردن به طول عمر نیفزاید»³، ولیکن در اینجا لازم است به این نکته توجه گردد که آیات و اذکار و دعا هایی با آن‌ها درخواست بهبودی می‌گردد و آن‌ها در نفس خود دارای سود و بهبودی می‌باشند دارای قبولی و توانایی و اثر معالجه می‌باشند و اگر تداوی و معالجه با موارد مذکور بهبودی را به دنبال نداشت یا بر اثر ضعف تأثیر انجام دهنده آن بوده است و یا به علت عدم قبول فرد مداوا شده و یا به خاطر وجود مانع بزرگی است که از تأثیر در ماده ممانعت می‌نماید، و معالجه با دعا و تعویذ به دو امر تحقق می‌پذیرد:

یکی از سوی مریض و امر دیگر از سوی فرد معالجه می‌باشد، و آنچه که بسیار رعایت نماید این است که با تقویت خود و توجه صادقانه به خداوند روی نماید و اعتقاد جازم داشته باشد به اینکه قرآن شفا و رحمت است برای ایمان داران و با قلب و زبان از خداوند پناه جوید، زیرا این عمل یک نوع ستیز و جنگ می‌باشد و فرد ستیزه جو نیز امکان پیروزی بر دشمن برای وی ممکن نمی‌گردد. جز به دو امر نباشد یکی اینکه سلاح در ذات خود سالم و کارایی لازم را داشته باشد و دوم اینکه فرد جنگجو دارای نیرو و وقت لازم جنگ

1- جواب الکافی: 22-25.

2- صحیح الجامع، 153/3، شماره 3403.

3- حاکم و ترمذی و آلبانی آن را صحیح دانسته است. نگا: سلسله الاحادیث الصحیحه 76/1، شماره 154.

را دارا باشد، و چنانچه یکی از دو امر برای جنگجو فراهم نباشد اسلحه برای وی سود و ارزشی ندارد پس اگر جنگجو فاقد هر دو امر باشد در این ص ورت چه چیزی برای وی حاصل می گردد و همچنین اگر قلب مریض از توحید و تقوا و توجه خدا خالی باشد و سلامتی هم نداشته باشد چگونه انتظار بهبودی را داشته باشد.

و امر دوم که از سوی معالج با کتاب و سنت می باشد می بایست او نیز دارای دو امر مذکور در وظایف مریض باشد¹، و به همین سبب ابن التیمیة گفته است: تعویذ با دعاها و اسماء خداوند داروی روحی است؛ هرگاه بر زبان نیکوکار جاری گردد و با اذن خداوند بهبودی حاصل می گردد.

و علما با وجود سه شرط بر جواز تعویذ و دعا اجماع کرده اند:

1- اینکه با کلام خداوند یا اسماء و صفات او و یا سخن پیامبر ص باشد.

2- با زبان عربی و یا زبان قابل فهم دیگری باشد.

3- باور به اینکه دعا ذاتاً تأثیری ندارد بلکه با قدرت خداوند تأثیر می کند و آن هم سببی از اسباب بهبودی است.²

و به خاطر اهمیت جدی دعا بخش تعویذ را از کتاب «ذکر و دعا و معالجه با تعویذ از کتاب و سنت» خودم خلاصه نمودم و نکته های مفیدی نیز به آن افزودم و از خداوند - عزّ و جلّ - می خواهم که آن را محض رضای خویش قرار دهد، و به وسیله این اثر به من و کسانی که آن را خوانده اند و یا به چاپ رسانده و یا عامل پخش آن بوده اند و همه مسلمانان بهره و نفع رساند.

1- زاد المعاد، 68/4، الجواب الکافی، ص 21.

2- فتح الباری، 196/10.

وصلی الله وسلم وبارک علی نبینا محمد وعلی آله واصحابه ومن تبعهم بإحسانٍ إلى يوم
الدین

سعید بن علی بن وهف القحطانی
نگاشته شد در تاریخ 1414/6/18 هـ

1- علاج سحر (جادو)

علاج الهی برای سحر دو نوع می‌باشد:
بخش اول آنست که قبل از وقوع سحر از آن پیشگیری به عمل آورده می‌شود:

- 1- انجام دادن همه واجبات، و ترک تمام محرمات، و توبه از تمام گناهان.
- 2- افزایش خواندن قرآن کریم به طوری که هر روز وردی¹ (جزیی) از آن را برای آن قرار داده شود.
- 3- چناه جویی از خداوند با دعاها و اذکار .
برای شروع در این مورد می‌توان به دعاهای زیر اشاره نمود:
«بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ، فِي الْأَرْضِ، وَلَا فِي السَّمَاءِ، وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» سه بار در صبح و شبانگاه²، و خواندن آیه الکرسی بعد از هر نماز و هنگام خواب و در صبح و شب³ و خواندن سوره اخلاص و ناس و فلق سه بار در هنگام خواب و صبح و اول شب و گفتن «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ، وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» هر روز صد مرتبه و رعایت و پرداختن به اذکار زیر : اذکار صبحگاه و شامگاه، اذکار بعد از نمازها، اذکار خواب و بیدار شدن از آن، اذکار ورود به منزل و خروج از آن، اذکار نشستن بر مرکب، اذکار ورود به مسجد و خروج از آن، و دعای ورود به مستراح و خروج از آن، و غیره و بسیاری

1- ورد: جزیی از قرآن است که انسان آن را در طول شبانه روز بخواند، فرهنگ عمید.

2- ترمذی و ابوداود و ابن ماجه، نگا : صحیح ابن ماجه، 332/2.

3- نگا: حاکم و ذهبی، 562/1 و صحیح الترغیب و الترهیب ناصرالدین آلبنی، 273/1، شماره 658.

از آن‌ها را در (حصن المسلم) ¹ بر طبق احوال و مناسبات و اماکن و اوقات مناسب ذکر کرده‌ام، بی‌گمان محافظت و رعایت این اذکار فرد را از ابتلا به سحر و چشم و جن زدگی به اذن و رخصت الهی منع می‌نماید و موارد بعد از دچار شدن به این آفت‌ها نیز بهترین اثر را در علاج آن‌ها ایفا می‌مایند.²

4 خوردن هفت خرما با شکم خالی قبل از صبحانه هرگاه ممکن باشد؛ زیرا از پیامبر ص روایت شده است که فرموده است: «مَنْ اصْطَبَحَ بِسَبْعِ تَمَرَاتٍ عَجْوَةٍ، لَمْ يَضُرَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ سَمٌّ، وَلَا سِحْرٌ» «هر کسی با خوردن هفت خرما خشک صبحانه نماید در آن روز سموم و سحری به او ضرر نمی‌رسانند» و بهتر اینکه از خرما مدینه باشد و علامه بن عبدالله بن باز/ بر این باور است که تمام خرماهای مدینه دارای این اوصاف می‌باشد.

همچنانکه شیخ/ بر این باور است که در غیر خرما مدینه هم برای کسی که بخواهد این سنت را عملی نماید نیز شامل این حکم می‌گردد.

بخش دوم: علاج سحر بعد از وقوع آن که دارای انواع مختلفی است.

نوع اول: بیرون نمودن و ابطال سحر اگر محل آن دانسته شود با راههای مباح شرعی و غالباً فرد مسحور با این روش معالجه می‌گردد.

نوع دوم: تعویذ شرعی از جمله:

أ هفت برگ سبز سدر (درخت کُنار) را میان هاون و یا با هر وسیله دیگر کوبیده گردد و سپس

1- حصن المسلم: نیز اثری از مؤلف است در 120 صفحه که مجموعه ای از اذکار کتاب، سنت می باشد که در دمشق - بیروت در دار ابن کثیر به چاپ رسیده است.

2- زاد المعاد، 126/4 و مجموع فتاوی ابن باز 277/3 و ص 108 از همین کتاب.

به اندازه آب غسل یک فرد آب بر آن بریزید
و آیات زیر بر آن خوانده شود:
(أعوذ بالله من الشيطان الرجيم)

﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ ﴿٢٥٥﴾﴾
[البقرة: ٢٥٥]

﴿وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ ﴿١٧٧﴾ فَوَقَعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٧٨﴾ فَغُلِبُوا هُنَاكَ وَانْقَلَبُوا صَغِيرِينَ ﴿١٧٩﴾ وَأَلْقَى السَّحَرَةُ سَجْدِينَ ﴿١٨٠﴾ قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٨١﴾ رَبِّ مُوسَىٰ وَهَارُونَ ﴿١٨٢﴾﴾ [الأعراف: ١١٧ - ١٢٢]

﴿وَقَالَ فِرْعَوْنُ أَتَنْتَوِينِي بِكُلِّ سِحْرِ عَلِيمٍ ﴿٧٩﴾ فَلَمَّا جَاءَ السَّحَرَةُ قَالَ لَهُم مُّوسَىٰ أَلْقُوا مَا أَنْتُمْ مُّلقُونَ ﴿٨٠﴾ فَلَمَّا أَلْقَوْا قَالَ مُوسَىٰ مَا جِئْتُمْ بِهِ السَّحَرُ إِنَّ اللَّهَ سَيُبْطِلُهُ إِنَّ اللَّهَ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ ﴿٨١﴾ وَيُحِقُّ اللَّهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ ﴿٨٢﴾﴾ [يونس: ٧٩ - ٨٢]

﴿قَالُوا يَمُوسَىٰ إِمَّا أَنْ تُلْقِيَ وَإِمَّا أَنْ نَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَلْقَى ﴿٦٥﴾ قَالَ بَلْ أَلْقُوا فَإِذَا جِأَتْهُمْ وَعَصِيَّتُهُمْ بِخَلِّ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّهَا تَسْعَى ﴿٦٦﴾ فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةُ مُوسَى ﴿٦٧﴾ فَلَمَّا لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى ﴿٦٨﴾ وَأَلْقِ مَا فِي يَمِينِكَ تَلْقَفْ مَا صَنَعُوا إِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدٌ سِحْرٍ وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَى ﴿٦٩﴾ فَأَلْقَى السَّحَرَةُ سَجْدًا قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ هَارُونَ وَمُوسَى ﴿٧٠﴾﴾ [طه: ٦٥ - ٧٠]

﴿قُلْ يَتَأْتِيهَا الْكُفْرُوت ﴿١﴾ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ ﴿٢﴾ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ﴿٣﴾ وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدْتُمْ ﴿٤﴾ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ﴿٥﴾ لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ ﴿٦﴾﴾ [الكافرون: ١ - ٦]

﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ﴿١﴾ اللَّهُ الصَّمَدُ ﴿٢﴾ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ﴿٤﴾﴾ [الإخلاص: ١ - ٤]

﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ۝۱ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ ۝۲ وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ ۝۳ وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ ۝۴ وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ ۝۵﴾ [الفلق: ۱ - ۵]
 ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ ۝۱ مَلِكِ النَّاسِ ۝۲ إِلَهِ النَّاسِ ۝۳ مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ ۝۴ الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ ۝۵ مِنَ الْغِيَةِ وَالنَّاسِ ۝۶﴾ [الناس: ۱ - ۶]

و بعد از خواندن آیات مذکور بر آن سه بار از آن بنوشد و با باقیمانده آن غسل نماید و با این عمل اگر خداوند بخواهد، درد و رنج از بین می‌رود و اگر نیاز بود دوبار یا بیشتر می‌تواند انجام دهد تا بیمار کاملاً بهبود یابد و این بارها تجربه شده است و مفید هم بوده است.

ب -سوره فاتحه و آیه الکرسی را خوانده و دو آیه آخر سوره بقره و سوره اخلاص و سه بار یا بیشتر معوذتین همراه با دمیدن با دست راست محل درد را مسح و مالش دهید.¹

ج تعاویذ² و دعاهاى مهم و جامع

1 -از خداوند بزرگ پروردگار عرش والا می‌خواهم که تو را شفاء دهد. (7 بار)³

2 -دست را روی محل درد گذاشته و سه بار می‌گوید: «بِسْمِ اللَّهِ» و «أَعُوذُ بِاللَّهِ وَقُدْرَتِهِ مِنْ شَرِّ مَا أَجِدُ وَأُحَاطِرُ» (7 بار)⁴ از شر آنچه که می‌یابم و از آن

1- بخاری با فتح الباری، 62/9 و مسلم، 1723/4 و بخاری با فتح الباری، 108/10.

2- تعاویذ جمع تعویذ بمعنی: دعا کردن، و پناه خواستن، التجا کردن به خداوند متعال توسط اورداد و اذکار مشروع قرآن و سنت صحیح می‌باشد بخلاف مفهوم مشهور عام که عبارت از آویزان کردن گلو بند و دستبند و می‌باشد.

3- ترمذی و ابوداود، 187/3 و ترمذی، 410/2، نگا : صحیح الجامع، 180/5 و 322.

4- مسلم، 1728/4.

- حذر می‌نمایم به خداوند و قدرت او پناه می‌برم.
- 3- خدایا! پروردگار مردم! ناراحتی را ببر و شفا ده، تو شفا دهنده ای و شفای جز شفا تو نیست، شفای که به بیماری نمی‌گراید.¹
- 4- از هر شیطان گزنده ای و از هر چشم بدی به کلمات تامه خداوند پناه می‌برم.²
- 5- از شر آنچه خداوند خلق کرده است به کلمات تائمات خداوند پناه می‌برم.
- 6- از غضب و عذاب خداوند و شرّ بندگان و از وسوسه های شیاطین و اینکه نزد من حضور یابند به کلمات تامه خداوند پناه می‌جویم.
- 7- از شرّ آنچه که خدا خلق کرده است و از شرّ آنچه که از آسمان فرود می آید و از شرّ آنچه از آن بیرون می‌رود و از شرّ فتنه های شب و روز و از شر هر کوبنده و شبروی، مگر کوبنده باب خیر و نیکی، به کلمات تامه ای هیچ نیکوکار و فاجری از آن تجاوز نمی‌نماید، پناه می‌برم.³
- 8- خدایا! پروردگار آسمانهای هفتگانه و پروردگار عرش والا، ای پروردگار ما و پروردگار تمام اشیا، ای شکافنده و رویاننده دانه و هسته، فرود آورنده تورات و انجیل و قرآن، از شرّ آنچه که زمام آن در دست توست به تو پناه می آورم تو آغازینی هستی که قبل از تو چیزی نبوده است و واپسینی هستی که بعد از تو چیزی نخواهد بود و تو پنهانی هستی که پنهان تر از تو چیزی نیست.⁴

1- فتح الباری، 206/10 و مسلم، 1721/4.

2- بخاری، مع الفتح، 408/6.

3- سند احمد، 119/3 با اسناد صحیح، و ابن النبی شماره

637 و مجمع الزوائد، 127/10.

4- مسلم، 2084/4.

9 - به نام خدا تو را از هر چیز که باعث آزارت گردد و از شر هر نفس و یا چشم حسودی تو را آزار نماید تعویذ می‌نمایم و خداوند شفایت دهد به نام خدا تعویذ می‌دهم.¹

10 - به نام خدا بهبودت بخشد و از هر درد الهی شفایت دهد و از شر هر حسودی هرگاه رشک بورزد و از شر هر صاحب چشم بدی شفا و پناهت دهد.²

11 - به نام خداوند از هر چیز که آزارت می‌دهد و از حسد حسودت و را دعا و تعویذ می‌نمایم و از شر هر صاحب چشم حسودی از خداوند می‌خواهم بهبودت بخشد.³

این تعاویذ و دعاها، سحر و جن زدگی و چشم زخم و همه بیماریها با آن معالجه می‌گردد اینها به اذن خداوند دعاهاى جامع و مفیدی می‌باشند.

نوع سوم : خون‌گیری با حجامت از محل یا عضوی که اثر سحر بر آن ظاهر گشته است، اگر ممکن باشد و چنانچه حجامت ممکن نباشد به کار گرفتن آنچه که ذکر شد جهت استعلاج کافی و بسنده می‌باشد.

نوع چهارم : داروهای طبیعی و مفیدی که قرآن و سنت مطهر به آنها اشاره نموده‌اند هرگاه انسان با یقین و صدق و توجه به خداوند آنها را به کار ببرد و اعتقاد داشته باشد بر اینکه نفع از طرف خداوند است و اگر خداوند بخواهد به آن نفع رساند همچنانکه داروهای ترکیبی گیاهی که براساس تجربه ی تجربه داران می‌توان از آن استفاده نمود به شرطی که حرام نباشند و در این زمینه داروهای طبیعی جهت علاج بیماریها و آفات

1- مسلم از ابوسعید τ، 1718/4.

2- مسلم از عائشه، 1718/4.

3- سنن ابن ماجه از عباد بن صامت τ، نگا : صحیح ابن ماجه، 268/2.

مذکور وجود دارند که اگر خداوند بخواهد نفع و فایده می‌رساند.

از جمله معالجات طبیعی نافع به اذن خداوند می‌توان موارد زیر را ذکر کرد: عسل¹، سیاهدانه²، آب زمزم³، و آب آسمان همچنانکه قرآن می‌فرماید:

﴿وَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُّبَرَّكًَا﴾ [ق: ۹]

«ما از آسمان آب مبارک فرو فرستاده ایم».

و یکی دیگر اسباب معالجه روغن زیتون است به دلیل اینکه از پیامبر ص روایت است که:

«كُلُوا الزَّيْتِ، وَادَّهِنُوا بِهِ، فَإِنَّهُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ».

«زیتون را بخورید و به آن تدهین نمایید زیرا از درخت مبارکه‌ای می‌باشد».

واقعیت تجربه و استعمال و مطالعه نشان داده است که بهترین روغن است برای استحمام و نظافت و عطرآگین نمودن و از داروهای طبیعی به شمار می‌آیند.

2- علاج چشم زخم

معالجه ابتلا به چشم بد به سه طریق انجام می‌گیرد:

— **قسم اول:** قبل از ابتلا به آن و آن هم دارای چند نوع می‌باشد:

1 حفظ و نگهداشت فردی که بیم آن می‌رود که مورد حسد چشم بد قرار گیرد با اذکار و دعاها و تعاویذ مشروعه همچون بخش اول از علاج سحر.

1- نگا: ص 143 متن عربی همین کتاب، و فتح الحق المبین، ص 140.

2- ص 141 متن عربی کتاب حاضر، و فتح الحق المبین، ص 141.

3- ص 143، متن عربی کتاب حاضر، و فتح الحق المبین، ص 144.

2 خردی که از اثر بد چشم خود می ترسد و یا بیم می رود که چشم وی بر دیگران اثر بد بگذارد هرگاه از خود یا ثروت و فرزند خود و یا برادر خود چیزی را دید که باعث شگفت وی گردد در آن حالت به برکت دعا نماید و بگوید: «ما شاء الله لا قوة إلا بالله، اللهم بارك عليه» زیرا از پیامبر ص روایت شده است که «هر کسی که از شما چیز را از برادر خود ببیند که او را شگفت زده نماید برای وی دعای برکت نماید».

3 پوشاندن محاسن کس که بیم اثر بد چشم بر وی رود.

– **قسم دوم:** بعد از اصابت چشم بد بر فرد که آنهم دارای انواع گوناگون است:

1 هرگاه چشم زخم زننده شناخته شد امر به وضو می شود سپس ف ردی که چشم بد بر وی اصابت کرده است از آب وضوی وی غسل نماید.

2 چه خواندن سورة توحید، و معوذتین و حمد و آیه الکرسی و آیه های آخر سورة بقره و دعا های مشروعه در تعویذ با دمیدن و مسح محل درد با دست راست بيفزاید همچنانکه در بخش دوم از علاج سحر فقره ج شماره 1¹ الی 11 بیان گردید.

3 سپس بیمار آب دمیده شده را می نوشد و باقیمانده را بر روی خود می ریزد، یا در روغن می خواند و با آن تدهین می نماید و چنانچه در آب زمزم یا آب آسمان خوانده شود بهتر است.

4 - ایرادی ندارد اگر آیاتی از قرآن نوشته گردد و بعد از آن شسته شود و بیمار از آن بنوشد و از جمله آیاتی که در این باره به کار می روند سورة حمد، آیه الکرسی و دو آیه آخر سورة بقره و سورة توحید و

معوذتان و دعا‌های تعویذ همچنانکه در صفحه‌های قبل ذکر گردید.

1 - بخش سوم به کار بردن اسبابی که باعث دفع چشم حسود می‌گردد که عبارتند از:

1 - استعاذه و پناه خواستن به خداوند از شر حسود.

2 تقوا و ترس از خداوند و رعایت تقوا در امر و نهی خداوند.

3 صبر بر حسود و گذشت از او و عدم درگیری و شکایت و اذیت او.

4 توکل نمودن بر خداوند و هر کسی بر خداوند توکل نماید خداوند برای او کافی و بسنده می‌باشد.

5 - از حاسد نترسد و فکر خود را با آن مشغول ننماید و این مفیدترین داروست.

6 روی آوردن بر خدا و داشتن اخلاص با او و طلب رضایت او.

7 توبه از گناهان چون گناه دشمنان انسان را بر او مسلط می‌گرداند.

﴿وَمَا أَصَابَكُمْ مِّنْ مُّصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ﴾

[الشوری: ۳۰]

«آنچه از مصیبت و بلایا به شما می‌رسد به خاطر کارهایی است که خود کرده اید، و خداوند از بسیاری (از آن) گذشت می‌کند».

8 چه اندازه توان صدقه و احسان نمودن بی‌گمان صدقه و احسان تأثیر شگفتی بر دفع بلا و چشم زخم و شر حسود دارند.

9 جا نیکی نمودن به حاسد، آتش درون وی را خاموش کنید هر اندازه حاسد به افزودن شر و حسد خود بپردازد او هم احسان و نیکی و شفقت بر او افزایش دهد و این عمل از هر کسی بر نمی‌آید مگر آنکه خداوند بهره ای از طرف خود به او داده باشد.

10 مجرد نمودن توحید و اخلاص برای خداوند حکیم که چیزی بدون اذن وی سود و ضرر نمی‌رساند و او جامع و مدار تمام اسباب می‌باشد.

پس توحید دژ بزرگ خداوند است هر کسی به آن وارد گردد از امنیت و امان‌یافتگان است. پس با این ده اسبابی که ذکر کردیم شرّ حاسد و چشم‌زخم زننده و ساحر دفع می‌گردد.¹

3- علاج و آمیختگی جنی با انسان

علاج فرد جن زده که جن به او وارد شده است و به آن می‌آمیزد دو نوع است:

نوع اول: قبل از اصابت است:

محافظه و رعایت بر تمام فرایض و واجبات و دوری نمودن از تمام محرمات، و توبه از تمام گناهان و پناه بردن با اذکار و دعا‌های مشروع.

نوع دوم: معالجه بعد از ورود جنی به جسم انسان:

به وسیله مسلمانی که قلب و زبانش با هم هماهنگ باشد و برای فرد مصروع تعویذ می‌دهد دعا‌های لازم در این زمینه گفته شود و بزرگترین معالجه با فاتحه‌الکتاب و آیه الکرسی و دو آیه آخر سوره بقره و سوره توحید و سوره فلق و ناس همراه با دمیدن بر فرد مصروع و سه بار تکرار نمودن آن و یا بیشتر و آیات دیگر قرآنی زیرا همه قرآن شفا درونی و شفاء و هدایت است برای ایمان‌داران و سایر دعا‌هایی که در بخش دوم از علاج سحر در فقره «ب» و «ج» گفته شد و در این علاج فرد مصروع رعایت و پای بندی به دو امر لازم است اول از طرف فرد مصروع درون خود را تقویت نماید و صادقانه به خداوند توجه و روی آورد و با قلب و زبان به خداوند پناه ببرد و دوم از طرف فرد معالج باید تحقق یابد و او نیز وظایف

1- نگا: به بدائع الفوائد ابن قیم الجوزیه 238/3-245.

فرد مصروع را بر عهده دارد و به قول مشهور
اسلحه یا زننده آن است و اگر در گوش مصروع
اذان گفته شود نیک است زیرا شیطان از آن
گریزان می‌گردد.¹

4- معالجه بیماری‌های درونی

بزرگترین معالجه و درمان بیماری درونی و
تنگی و دل‌گرفتگی (سینه) به طور خلاصه عبارت است
از:

- 1 هدایت و توحید، همچنانکه گمراهی و شرک
بزرگترین اسباب دل‌گرفتگی است.
- 2 خور ایمان واقعی که خداوند در قلب بنده با
عمل صالح می‌گذارد.
- 3 حلم سودمند، هر اندازه علم بنده وسعت یابد
دل و سینه او بازتر و گسترده‌تر خواهد شد.
- 4 انابه و برگشت به سوی خداوند و یا تمام دل
و درون محبت او داشتن و روی آوردن بر او
شکر نعمت او با عبادت نمودن وی.
- 5 حوام ذکر در هر حال و هر مکانی، ذکر تأثیر
شگفتی در انشراح و گشاده ای صدر و نعمت دل
و از بین بردن غم و غصه دارد.
- 6 جا انواع احسان و نیکی به مردم نیکی کردن
و سود رساندن به آنان چون فرد بخشنده و
نیکوکار از لحاظ سعه صدر برترین مردم است
و دارای پاکترین درون می‌باشد.
- 7 شجاعت و دلیری، انسان دلیر دارای سعه صدر
و وسعت قلب می‌باشد.
- 8 جیرون کردن ناراستی های قلب و صفات
مذمومه‌ای که موجب ضیق و شکنجه قلب می‌گردد:
مانند حسد، بغض، کینه، دشمنی و نفرت،
سرکشی، و از پیامبر ص ثابت گشته است که از

1- نگا: فتح الحق المبین در علاج سحر و صرع و چشم زخم، ص
112، و بخاری، شماره 574.

او درباره بهترین مردم سؤال شد فرمود : «كُلُّ مَخْمُومِ الْقَلْبِ، صَدُوقِ اللِّسَانِ» گفت هر که دل پاک و راست‌گفتار باشد بهترین مردم است، گفتار صدوق اللسان می‌دانیم چیست اما مخموم القلب به چه معناست؟ فرمود : کسی است که متقی و پاک باشد، و گناه و کینه و حسد در وی نباشد.¹

9 ترک نظر و سخن، استماع و آمیختن با مردم، خوردن و خوابیدن زیاد، و اضافه بر نیاز بکار بردن موارد مذکور از جمله اسباب گشایش روح و روان و زدودن غم و اندوه می‌باشد.

10 - اشتغال به کار و یا علم مفیدی که قلب را از آنچه که باعث نگرانی و اضطراب آن گشته است مشغول و باز دارد.

11 - اهتمام ورزیدن به عملی که به آن مشغول هستید و دوری از تفکر در مورد آینده و افسوس نخوردن برگزیده و یاری خواستن از خداوند برای تحقق نیات حسنه و تلاش بر این راه غم و اندوه را می‌زداید و باعث آرامش قلب و روان می‌گردد.

12 - در تندرستی و معیشت خویش به پایین تر از خود بنگرد نه به بالاتر از خود.

13 - فراموش نمودن مشکلات و ناراحتی هایی گذشته که امکان برگشت و جبران آنها ممکن نباشد نباید درباره آنها اصلاً فکر نمود.

14 - هرگاه مصیبتی از مصائب برای شخص پیش آید می‌بایست در تخفیف اثر آن بر خود تلاش بورزد به اینگونه که بدترین احتمال ممکن برای آن فرض کند و با توان و قدرت خویش با آن مقابله کند.

1- اخراج از ابن ماجه با شماره 4216، نگا : صحیح ابن ماجه، 411/2.

- 15 - تقویت قلب و تسلیم نشدن آن در برابر خیالات و توهّمات که افکار بد به و می‌آورند و به عصبانیت هم منجر نگردد و توقع نداشته باشد که سختی و گرفتاری زایل گردد و بلکه بر خداوند توکل نماید و خود را به خداوند بسپارد و در پی اسباب سودمند برای دفع گرفتاری هم باشد و از خداوند طلب بخشش و تندرستی بنماید.
- 16 - تکیه و اعتماد بر خداوند همانا کسی که بر خداوند توکل نماید خیالات و توهّمات بی‌اساس در وی تأثیر نمی‌کنند.
- 17 - هرگاه فرد به مصیبت و گرفتاری دچار گردد میان گرفتاری موجود و نعمتهای موجود که خداوند به وی ارزانی داشته است مقارنه و تطبیق می‌نماید پی می‌برد که نعمتهای موجود بیش از مصیبت‌های وارد شده است و بجای تفکر در امور منفی و احتمالات ضرر به افکار مثبت و امیدوار کننده روی آورد.
- 18 - بداند که اذیت و آزار مردم به او ضرری نمی‌رساند، خصوصاً در گفتار های ناشایست و بلکه ضرر متوجه گوینده آن میگردد لذا فکر و خیال خود را به ضرر احتمالی آن مشغول نکند.
- 19 - فکر خود را در آنچه که سود و نفع دینی و یا دنیوی به بار می‌آورد به کار بگیرد.
- 20 - انسان در برابر نیکی‌ها و خوبی‌هایی که برای دیگران انجام می‌دهد به دنبال تشکر و سپاسگزاری دیگران نباشد و بلکه آن را معامله ای میان خود و خدای خود بپندارد و به تشکر طرف مقابل توجه ننماید همانطور که قرآن می‌فرماید:

﴿إِنَّمَا نَطْعُمُكُمْ لَوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا﴾ [الإنسان: ۹]

- «ما شما را به محض رضایت خداوند خوراک می دهیم و از شما پاداش و سپاسگزاری نمی‌خواهیم» و این نوع معامله و عدم انتظار پاداش و سپاسگزاری در مورد خانواده و فرزند بیشتر مورد تأکید است.
- 21 - قرار دادن امور سودمند در برابر چشمان خود و مشغول ساختن ذهن در انجام و تحقق بخشیدن به آنها و عدم تفکر و خیال پردازی در کارهای بی فایده.
- 22 - انجام دادن اعمال کنونی ، نینداختن کار امروز به فردا تا برای انجام کارهای آینده نیروی فکر و عمل لازم را داشته باشد.
- 23 - در انتخاب علوم و کارهای مفید، اول مهمترین آنها به ترتیب اهمیت آنها را انتخاب کند و خصوصاً آنچه را که رغبت بیشتری به آن داشته باشد و در انجام آن از خداوند استعانت ورزد و اگر مصلحت اقتضا نمود با دیگران به مشورت بپردازد و با توکل بر خداوند تصمیم نهایی را اتخاذ نماید.
- 24 - با زبان و قلب به بازگو کردن نعمت های مادی و معنوی و سپاسگزاری از آن نعمتها بپردازد زیرا شناخت نعمتها و تحدّث به آنها غم و اندوه را می‌زداید و بنده را بر شکر و سپاس ترغیب می‌نماید.
- 25 - در برخورد با همسر و خویشان و کسانی که به نحوی در زندگی با وی ارتباط دارند هرگاه از آنها عیب و ایرادی دید آن را با سایر خصایل نیک و اعمال خوب وی تطبیق نماید تا عیب وی جلب توجه ننماید و از خصلت نیک وی چشم‌پوشد با این نوع نگرش ادامه زندگی بیشتر تداوم می‌یابد و فرد از غم و اندوه رها می‌گردد و به شرح صدر نایل

می‌آید، و از مسلم روایت است که پیامبر ص فرموده است: «لَا يَفْرَكُ مُؤْمِنٌ مُؤْمِنَةً إِنْ كَرِهَ مِنْهَا خُلُقًا رَضِيَ آخَرُ».¹ هیچ مرد ایمانداری، زن ایمانداری را طرد و قطع رابطه ننماید اگر از بعضی اخلاق وی ناراضی بود، از اخلاق های دیگر وی راضی می‌گردد».

26 - دعا جهت اصلاح تمام امور و بزرگترین و برترین آن‌ها عبارت است از: «اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لِي دِينِي الَّذِي هُوَ عِصْمَةٌ أَمْرِي، وَدُنْيَايَ الَّتِي فِيهَا مَعَاشِي، وَآخِرَتِي الَّتِي إِلَيْهَا مَعَادِي، وَاجْعَلْ الْحَيَاةَ زِيَادَةً فِي كُلِّ خَيْرٍ، وَالْمَوْتَ رَاحَةً لِي مِنْ كُلِّ شَرٍّ».²

خدایا! دینم را که سبب عصمت و نگهداری از لغزشهاست و دنیا را که محل کسب معاشم می‌باشد و آخرتم را که برگشتم به آن است اصلاح گردان و هر خیری را در زندگی قرار دهید و مرگ را از هر شر دیگری برایم آسان گردان و خدایا! رحمت تو را می‌طلبم و لحظه‌ای مرا به نفسم وا گذار مکنید و تمام کارهایم را اصلاح کنید هیچ معبود به حق جز تو نیست.

27 - جهاد در راه خداوند «جَاهِدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ» جهاد در راه خداوند بابتی از ابواب بهشت می‌باشد خداوند به وسیله آن غم و اندوه را می‌زداید و این اسباب و وسایلی را که ذکر کردیم علاج سودمندی است برای بیماری‌های درونی و بزرگترین سبب معالجه قلق درونی است برای آنکه در آن‌ها تدبّر نماید و با صدق و اخلاص به آن‌ها عمل نماید و برخی از علماء، بارها حالات درونی و بیماری‌های درونی را با آن معالجه نموده‌اند و از آن سود فراوان برده‌اند.³

1- مسلم، 1091/3.

2- مسلم، 2087/4.

3- مقدمه الوسایل المفیده، چاپ پنجم، ص 6.

5- معالجه دمل و زخم

سُفیان انگشت اشاره اش را بر زمین گذاشت سپس آن را بلند کرد و گفت: به نام خدای خاک، زمین ما با آب دهان عده ای از ما، با اذن پروردگارمان سبب شفای بیمارانمان می گردد و پیامبرص هرگاه کسی اظهار درد می نمود و یا دمل و زخمی داشت به این عمل دستور می فرمود و حدیث به این م عنی است که آب دهانش را بر انگشت اشاره می ریخت سپس آن را به خاک فرو می برد و با انگشتش خاک برمی داشت و آن را بر موضع زخم یا درد می مالید و در حال مالیدن موضع درد این دعا را می گفت.¹

6- علاج و گرفتاری

﴿مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ﴾ (٢٢) لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ ﴿٢٣﴾ [الحديد: ٢٢ - ٢٣]

«هیچ رخدادی در زمین به وقوع نمی پیوندد، یا به شما دست نمی دهد، مگر اینکه پیش از آفرینش زمین و خود شما در کتاب بزرگ و مهمی بوده است و این کار برای خدا ساده و آسان است* این بدان خاطر است که شما نه بر از دست دادن چیزی غم بخورید که از دستتان بدر رفته است، و نه شادمان بشوید. بر آنچه خدا به دستتان رسانده است، خداوند هیچ شخص متکبر فخرفروشی را دوست نمی دارد».

﴿مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ يَهْدِ اللَّهُ قَلْبَهُ، وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ (١١) [التغابن: ١١]

1- فتح الباری، 206/10 و مسلم، 4/1724، شماره 2194.

«هیچ واقعه و حادثه‌ای جز به فرمان و اجازه خدا رخ نمی‌دهد و هر کس که به خدا ایمان داشته باشد، خدا دل او را رهنمون می‌گرداند و خداوند از هر چیزی کاملاً آگاه است».

1 هر بنده ای هنگام دچار شدن به گرفتاری بگوید: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، اللَّهُمَّ أَجِرْنِي فِي مُصِيبَتِي، وَأَخْلِفْ لِي خَيْرًا مِنْهَا» خداوند در مصیبت وی را مأجور نموده است و بهتر از آن برای او خیر قرار داده است.¹

2 هرگاه فرزند بنده ی خدا بمیرد خداوند به فرشتگانش می‌فرماید آیا روح فرزند بنده مرا گرفتید؟ فرشتگان می‌گویند؟ آری، و خداوند می‌فرماید: روح جگرگوشه ی او را گرفتید؟ می‌گویند: آری و خداوند می‌فرماید: به بنده ام چه گفت؟ می‌گویند حمد تو را به جایی آورد و طلب رجوع کرد «انا لله و...» پس خداوند می‌گوید برای بنده ام در بهشت خانه ای بسازید و آن را بیت حمد بنامید.²

3 خداوند می‌فرماید: هرگاه روح برترین و محبوب‌ترین اهل و خانواده ی بنده ام را بگیرم و او به آن رضایت نماید جز بهشت برای او جایگاهی نیست.³

4 و پیامبر به مردی که پسرش مرده بود فرمود: «أَلَا تَحِبُّ أَنْ لَا تَأْتِيَ بَاباً مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ إِلَّا وَجَدَتْهُ يَنْتَظِرُكَ» آیا دوست نداری که به یکی از ابواب بهشت بیایی و بچه ات را بیابید که در انتظار توست.

5 هرگاه بنده ام را به دو حبه اش (چشمانش) ابتلا کردم و او صبر نماید و [رضایت داشته

1- مسلم، 633/2.

2- ترمذی، صحیح الترمذی، 298/1.

3- بخاری، مع الفتح الباری، 242/11.

- باشد [به جای چشمانی که از او گرفته ام بهشت را به او می‌دهم.¹
- 6 هر مسلمانی به بیماری یا چیز دیگری گرفتار آید [و شکوه ننماید] خداوند همچنانکه درخت برگهای خود را می‌ریزد گناهان وی را از بین می‌برد.
- 7 هر مسلمانی اگر خاری به بدن وی فرو رود به وسیله آن برای وی درجه و ثوابی مکتوب می‌گردد و به سبب آن گناهی از او می‌زداید.
- 8 خستگی و درد و بیماری و اندوه و حتی غصه‌ای که باعث دل‌تنگی او می‌شود هرگاه بر انسان مؤمن عارض گردد خداوند به سبب آن گناهان وی را پاک می‌گرداند.
- 9 جزرگی جزا و پاداش به نسبت بزرگی بلا و آزمایش است و هرگاه خداوند بخواهد قومی را دوست بدارد آنان را ابتلا می‌نماید پس هر کس رضایت نشان داد رضایت خداوند برای وی حاصل گردد و هر کس اظهار نارضایتی نماید خشم خدا برای او حاصل می‌گردد.

7- درمان غصه و اندوه

- 1 هرگاه بنده‌ای به غصه و اندوه گرفتار آید و دعای (زیر را) بخواند خداوند حزن و غصه را از دل او زدوده و به جای آن مسرت و شادی به وی عطا نماید: «خدایا من بنده تو و پسر بنده تو و پسر کنیز تو پیشانیم در دست قدرت توست حکم تو درباره من قطعی و قضاوت در مورد من عادلانه است و تو را به هر نامی که خود را به آن خوانده‌ای و یا در کتابت نازل کرده‌ای و به هر کدام از بندگان قرا داده‌ای و در علم غیب نزد خود گذاشته‌ای از تو می‌خواهم که قرآن را بهار دلم گردانی و

آن را نور سینه ام و سبب زدودن حزن و اندوهم گردانی¹.
 2 خدایا من از غصه و اندوه و ناتوانی و ضعف و بخل ورزی و ترسوئی و کجی در دین و چیره شدن مردمان بر خود به تو پناه می‌آورم.²

8- درمان سختی و فشار

1 معبود به حقی جز خداوند بزرگ، بردبار نیست، معبودی جز خداوند پروردگار عرش، والا نیست، معبودی جز خداوند پروردگار آسمانها و پروردگار زمین و پروردگار عرش والا و عالی مرتبه نیست.³
 2 خدایا به رحمت تو امیدوارم لحظه ای مرا به نفسم وامگذار و تمام حالاتم را اصلاح نما معبود بحقی، جز تو نیست.⁴
 3 معبود به حقی جز تو نیست، منزّه و پاکی و من از ستمکارانم.⁵
 4 خداوند پروردگارم است و برای او انبازی قرار نمی‌دهم.⁶

9- درمان و معالجه مریض برای خود

«بر روی قسمتی که درد و الم دارد دست بگذارید و بگو: «بِسْمِ اللَّهِ» (سه بار) و هفت بار بگویید: «أَعُوذُ بِاللَّهِ وَقُدْرَتِهِ مِنْ شَرِّ مَا أَجِدُ وَأُحَاطِرُ».⁷

-
- 1- احمد، 391/1 و آلبنی آن را صحیح دانسته است.
 - 2- بخاری، 158/7، پیامبر این دعا را زیاد تکرار می‌کرد، نگاه: فتح الباری، 173/11.
 - 3- بخاری، 154/7 و مسلم، 2092/4.
 - 4- ابوداود، 324/4 و احمد، 42/5، آلبنی و عبدالقادر ارنووطی آن را صحیح دانسته‌اند.
 - 5- ترمذی، 529/5 و حاکم و ذهبی، 505/1، نگاه:
 - صحیح الترمذی، 168/3.
 - 6- ابوداود، 87/2، نگاه: ابن ماجه، 335/2.
 - 7- مسلم، 1728/4.

10- هر مسلمانی که به عبادت مریض برود

و او نمرده باشد و هفت بار بگوید : از خداوند بزرگ می خواهم ت و را شفا دهد، تندرست می گردد.

11- معالجه: اضطراب و هراس در خواب

«از خشم و عذاب خداوند و شر بندگان او و از وسوسه ها و تحریکات شیاطین و از اینکه نزد من حضور یابند به کلمات تامّه خداوند پناه می برم.

12- معالجه تب

از پیامبرص روایت شده است که فرمود : «الْحُمَّى مِنْ فَيْحِ جَهَنَّمَ فَأَبْرِدُوهَا بِآلِ مَاءٍ»¹ تب از گرمای جهنم است آن را با آب سرد خنک نمائید.

13- معالجه گزیدن و نیش زدن

- 1 خواندن سوره حمد همراه با جمع نمودن بزاق دهان و بر روی محل نیش تف می گردد.²
- 2 خواندن سوره کافرون و مُعَوِّذَتَيْنِ با آب و نمک بر روی محل گزیده شده مالش داده می شود.³

14- معالجه غضب و خشم

درمان غضب و عصبانیت به دو صورت انجام می گیرد.

طریق اول: پیشگیری

با اجتناب از اسباب غضب می توان از آن پیشگیری نمود.
این اسباب عبارتند از : کبر و غرور، خودبزرگ بینی، فخرفروشی، طمع ناروا، شوخی بی مناسبت، مسخره و مزاح و امثال اینها.

1- ابوداود، 12/4، و نگاه: صحیح الترمذی، 171/3.

2- فتح الباری، 10.174، و مسلم، 1733/4.

3- طبرانی در صحیح الصغیر، 830/2، نگاه : مجمع الزوائد، 111/5.

طریق دوم: علاج غضب در هنگام وجود آن

در چهار نوع خلاصه و محدود می‌گردد:

- 1 پناه جستن به خداوند از شیطان رانده شده.
- 2 وضوء گرفتن.
- 3 تغییر حالت و موقعیتی که فرد خشمگین بر آن قرار گرفته است. مثلاً با نشستن و یا دراز کشیدن و یا بیرون رفتن و یا با قطع کردن سخن حالت خود را تغییر دهد.
- 4 آنچه را که درباره ثواب و جزای خشم فرو خوردن در متون دینی آمده است و آنچه را که درباره عذاب و خواری خشم آمده است به یاد بیاورد.¹

15- معالجه با سیاهدانه

پیامبر ص فرموده است: «إِنَّ فِي الْحَبَّةِ السَّوْدَاءِ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ، إِلَّا السَّامَ» در سیاهدانه بهبودی هر درد و بیماری هست جز مرگ نباشد.

16- معالجه با عسل

- 1 خداوند در قرآن در باره زنبور عسل می‌فرماید:

﴿يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَنُهُ، فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾ (النحل: ٦٩)

[النحل: ٦٩]

«از درون زنبورها عسل، مایعی بیرون می‌تراود که رنگهای مختلفی دارد که در این بهب ودی مردمان نهفته است».

و از پیامبر ص روایت شده است که فرموده است:

1- آفات اللسان، ص 110-112، و الحکمة فی الدعوة إلى الله، ص 64-66، از نویسندگان.

«الشَّفَاءُ فِي ثَلَاثَةٍ: فِي شَرْطَةِ مَحْجَمٍ، أَوْ شَرْبَةِ عَسَلٍ، أَوْ كَيْةٍ بَنَارٍ، وَأَنَا أَنْهَى أُمَّتِي عَنِ الْكَيِّ»¹.

«در سه چیز شفاء و بهبودی یافت می‌گردد؛ در خون گرفتن با حجامت، عسل، داغ کردن با آتش، و من اتمم را از داغ نمودن نهی می‌نمایم».

17- معالجه با آب زمزم

- 1- از پیامبرص روایت گردیده است که درباره آب زمزم فرموده است: «آب زمزم مبارک است همانا آن خوراک خوشمزه ای و شفای بیمار است»².
- 2- حدیث جابر «مَاءُ زَمْزَمَ، لِمَا شَرِبَ لَهُ» - به نیت و قصدی که نوشیده شده است به نوشنده آن فایده می‌رساند.
- 3- پیامبرص آب زمزم را در مشک‌ها حمل می‌کرد و بر روی بیمارانش می‌ریخت و به آنان می‌نوشاند و ابن القیم / می‌گوید: من و غیر من از استشفاء به آب زمزم، امور شگفتی را تجربه کرده ایم و از چند مرض به وسیله آن شفا جستیم و به اذن خداوند بهبود یافتیم.

18- مداوا و معالجه بیماریهای قلب

قلب سه نوع می‌باشد:

- 1- قلب سلیم: قلبی است که در قیامت سبب نجات صاحبش می‌گردد:
- ﴿يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ ﴿٨٨﴾ إِلَّا مَنْ آتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ ﴿٨٩﴾﴾ [الشعراء: ۸۸ - ۸۹]
- «آن روزی که اموال و فرزندان سودی

1- فتح الباری، 137/10، نگاه: در فوائد العسل

زاد المعاد، 50/4-62.

2- مسلم، 1922/4، مجمع الزوائد، 286/3.

نمی‌رساند* بلکه تنها کسی که با دلی سالم به پیشگاه خدا آمده باشد».

قلب سلیم قلبی است که از هر شهوت و آرزوی مخالف با امر و نهی خدا و از هر شبهه ای که با گفتار خداوند تعارض داشته باشد سالم و به دور باشد از عبودیت ماسوای او و از پذیرش حکمی جز حکم رسول او محفوظ و بدور باشد.

و خلاصه اینکه در آن هیچ شریک غیرخدایی نباشد و بلکه از لحاظ عبودیت مانند محبت، توکل، انابه، تواضع، خوف و امید، برای خداوند خالص گردیده باشد حب و بغض و عطاء وضع وی برای خداوند باشد و جسم او کردار او و خواب و بیداری او سخن گفتن او و حرف زدن او برای خدا باشد و افکار وی بر حول خداوند و رضایت او بچرخد¹، از خداوند متعال چنین قلبی را خواستاریم.

2 قلب میّت: برعکس قلب سلیم است و آن قلبی است که پروردگار خویش را نمی‌شناسد و براساس امر و حب و رضایت خداوند عبادت نمی‌نماید و بلکه با آرزو و شهوات خود در برابر خداوند ایستاده است و برای غیر خداوند پرستش می‌نماید و حب و خوف و امیدش برای غیر خداست و اگر دوست بدارد برای آرزو و هوای نفسانی خود می‌باشد و بغض و عطاء و منع وی برای هوای نفسانی است و هوی و آرزو پیشرو و قائد وی می‌باشند و سوق دهنده وی به سوی انجام عمل جهل است و مرکب وی غفلت است، از این نوع قلب به خداوند پناه می‌گیریم.

3 قلب مریض: قلبی است که دارای حیات است و از آن طرف نیز بیمار است و دو چیز هر کدام

1- نگاه: إغاثة اللفهان من مصائد الشيطان، ابن القيم الجوزیه، 7/1 و 73.

به نوبه خود او را به طرف خویش می کشانند، از طرفی محبت خدا و ایمان و اخلاص و توکل بر خداوند در آن یافت می شود و آن هم ماده حیات آن است و از طرف دیگر محبت شهوات حسد و غرور و خودبزرگ بینی نفاق و ریا و بخل را داراست و آن ماده و عامل هلاک و ضایع شدن آنست.

و علاج قلب از تمام بیماری ها قرآن آن را بیان کرده است و می فرماید:

﴿يَتَأْتِيَ النَّاسَ قَدْ جَاءَتْكُمْ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾

﴿٥٧﴾ [یونس: ٥٧]

﴿وَنَزَّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا﴾ ﴿٨٢﴾

[الاسراء: ٨٢]

بیماری های قلب دو نوع می باشد

نوعی صاحب آن اکنون احساس درد و رنج نمی نماید و آن عبارتند از وجود جهل، شبهات، تردید و شک، و این بزرگترین نوع درد است اما به سبب فساد قلب احساس نمی شود. و نوع دیگر آن مرض است که فی الحال دردآور است مانند غصه، اندوه، خشم، و این بیماری با داروهای طبیعی نیز از بین می رود. و علاج قلب به چهار صورت انجام می گیرد:

1 جه وسیله قرآن کریم؛ چون قرآن شفاء و بهبودبخش است برای آنچه که در درون می باشد و انواع شرک و چرک کفر و امراض شهوات را می زداید و قرآن برای کسی که از حق شناخت پیدا کرده باشد و بدان عمل نماید راهنماست و کسانی که هم به آن دست می یابند مایه رحمت دنیوی و اخروی آن ها می گردد:

﴿أُوْمَن كَانَ مِيْتًا فَاحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَن مَّثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ

بِخَارِجٍ مِّنْهَا﴾ [الأنعام: ١٢٢]

«آیا کسی که مرده‌ای بوده است و ما او را زنده کرده ایم و نوری را فرا روی او قرار داده ایم که در پرتو آن، میان مردم راه می‌رود آیا مانند کسی که به مَثَل گویی در تاریکی‌ها فرو رفته است.

2 قلب به سه چیز نیازمند است:

الف) آنچه نیرو و توان او را حفظ نماید و آن هم عبارت است از؛ ایمان و عمل صالح و انجام اقسام عبادات.

ب) پیشگیری از عوامل مضرّ و آن هم نیز با اجتناب از معاصی و انواع مخالفت با قانون خداوند انجام می‌گیرد.

ج) خود را تخلیه نمودن از اخلاق و خصوصیات فاسده و آن نیز با توبه و استغفار حاصل گردد.

3 حلاج بیماری قلب از چیره شدن نفس بر آن : دارای دو علاج است یکی؛ محاسبه و حسابرسی نفس، دوم؛ مخالفت با آن و محاسبه نیز دو نوع است:

الف) نوعی از محاسبه قبل از انجام عمل است و آن هم دارای چهار قسم است:

- 1 آیا این عمل بر او مقدور و ممکن است؟
- 2 آیا انجام این عمل از ترک آن بهتر است؟
- 3 آیا هدف از انجام این کار رضایت خداوند است؟

4 آیا در این عمل کسی او را یاری و نصرت می‌نماید اگر چنانچه نیاز به یاری و کمک دیگران بود؟ اگر جواب سؤالهای فوق مثبت بودند فرد خود را بر انجام آنها اقدام نماید و در غیر این صورت نباید به انجام آنها پردازد.

ب) نوع دیگر از معالجه قلب از چیره شدن نفس بر آن بعد از انجام عمل درمان می‌گردد و به سه طریق انجام می‌پذیرد.

- 1 محاسبه و حسابرسی نفس بر طاعت و رعایت حق الله که در آن قصور ورزیده و به نحو مطلوب آن را انجام نداده باشد و حقوق خداوند عبارتند از: اخلاص، متابعه، شکر نعمت، درک احسان و نیکویی، و
- 2 محاسبه نفس بر هر کرداری که ترک آن از انجام آن بهتر باشد.
- 3 محاسبه نفس بر امر مباح و یا معمولی که آن را انجام نداده باشد و آیا هدف از ترک آن خدا و قیامت بوده است تا بهره‌مند گردد یا هدف وی در ترک آن دنیوی بوده است و ضررمند گردد.
- خلاصه اینکه نفس خود را بر انجام فرائض محاسبه نماید و اگر در آن قصور ورزیده است آن را کامل گرداند، و بعد از آن بر ترک مناهی نفس خود محاسبه نماید و اگر مرتکب گناه شده است با توبه و استغفار آن را جبران نماید و سپس نفس را بر آنچه که با جوارح انجام داده محاسبه نماید و در آخر آن را بر غفلت محاسبه نماید.¹
- 4 حرمان و معالجه بیماری قلب از است یلای شیطان بر آن : شیطان دشمن انسان است و جدایی از او با استعاذه ای که خداوند مشروع نموده است ممکن می گردد و پیامبر ص در روایت زیر استعاذه از شر نفس و شر شیطان را کنار هم و با هم جمع نموده است، و به ابوبکر صدیق می‌فرماید: «بگو خدایا ای خالق آسمانها و زمین، ای آگاه به غیب و شهادت، ای پروردگار و مالک تمام اشیاء، گواهی می‌دهم که معبود بحقی جز تو نیست، از شر نفسم و از شر شیطان و شرک او و اینکه بر نفس خود دچار بدی گردم و یا به مسلمانی

1- إغاثة اللفهان، ابن قیم الجوزته، 1/131.

بدی وارد نمایم به تو پناه می آورم. این
 دعا را هنگام صبح و شب و هرگاه به رختخواب
 رفتی بگویند.¹
 استعاذه، توکل، اخلاص از چیره شدن شیطان
 ممانعت می نمایند.²

وصلی الله وسلم علی عبده ورسوله محمد وعلی آله وأصحابه أجمعین ومن تبعهم بإحسانٍ إلى يوم
 الدين

1- ترمذی و ابوداود، نگاه: صحیح الترمذی، 142/3.

2- إغاثة اللفهان، 162-145/1.